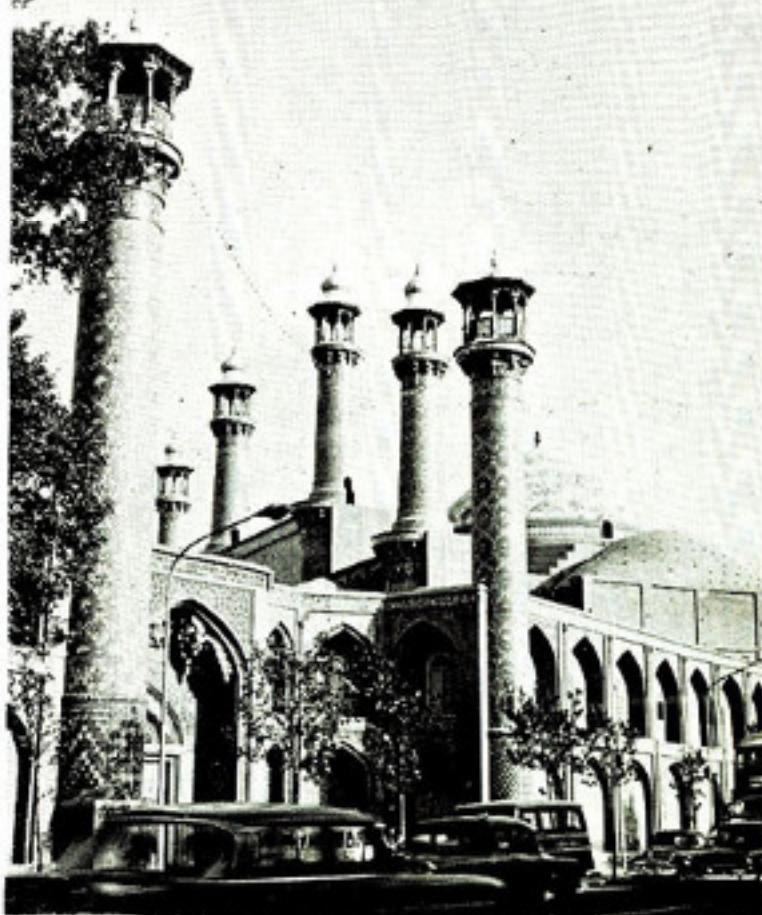


میکند فکر کردند لابد در فرنگی بازی و فرنگی سازی و سنت شکنی ، خاصیتی هست که در حفظ و حیات هنر ملی و تبعیت از محیط نیست . اینهم هست که غالباً مجریان ما مسکن را از مقوله فن و تکنیک میدانند و مدام در صددند که هر عامل طبیعی را بزور تکنیک و پول مغلوب کنند در حالیکه عوامل طبیعی را باید رام کرد و نه مغلوب زیرا هر عامل طبیعی فی نفسه ضرر نیست بلکه شدت و قدرتش ممکن است بما آسیب رساند . بنابراین باید بآن منعطف شد و آنرا پخته گرفت . اینرا باید دانست که مسکن مظہر مقابله انسان با طبیعت است و اتفاق آن بمعیظ در زمینه نوع مواد و مصالح ساختمانی و اجزاء و استحقاًرات و سبک و معماری آن لازم الرعایة و یکی از اصول و مبانی جغرافیای مسکن است . بنابراین باید با دیدی منطقی و علمی برآغ مسکن رفت و این کاریست درخور و شان آیادانی و مسکن و اما وزارت مسکن قبل از اقدامات وسیع اجرائی باید بیک کار مهم دست زند و آن تهیه یک آرشیو ملی مسکن برای سراسر کشور . در این آرشیو باید انواع اصلی مسکن متناسب با محیط و منطقه ثبت و ضبط شود و سهی بهنگام اجرا از آن مایه کثیر نداشته باشد چنان آرشیو و خزانه‌ای هم بخش خصوصی و هم بخش دولتی را بکار آید . امروز واقعاً هم مردم و هم دولت وقتی میخواهند بناشی کنند مستحصل و درمانده اند یعنی نمیدانند چگونه بسازند و از کجا و از کدام منبع و مخصوص الهام گیرند بهمین دلیل هر دو بخش دولتی و خصوصی در چنگ مقاطعه کاران اسیر میافتد و آنها هم باقتصاد منافع خود عمل میکنند . در حالیکه اگر مرکزی و منبع آگاه اسناد لازم را در اختیار مقاضیان نهد و بگوید در قلان منطقه برای قلان هدف باید چنین یا چنان مصالح و سبک را انتخاب کند و چه صرفه جوشی عمده‌ای در سرمایه و نیروها خواهد بود و آرزوی همگان حداقل در مورد سبک بنابرخواهد آمد اینکار مشک نیست . مثار خارجی و طراحان بین‌المللی را نیاز ندارد و در چهارچوب همین وزارت آیادانی و مسکن و بسته مهندسان و محققان ایرانی عملی است که اگر اراده شود بهم خود همه نلاشها را در این سو بکار بسته و نیروها را بسیج خواهیم کرد . امید که در وزارت آیادانی و مسکن بفکر حل ریشه‌ای قصایا باشند .



بنای  
مسکن  
وزارت

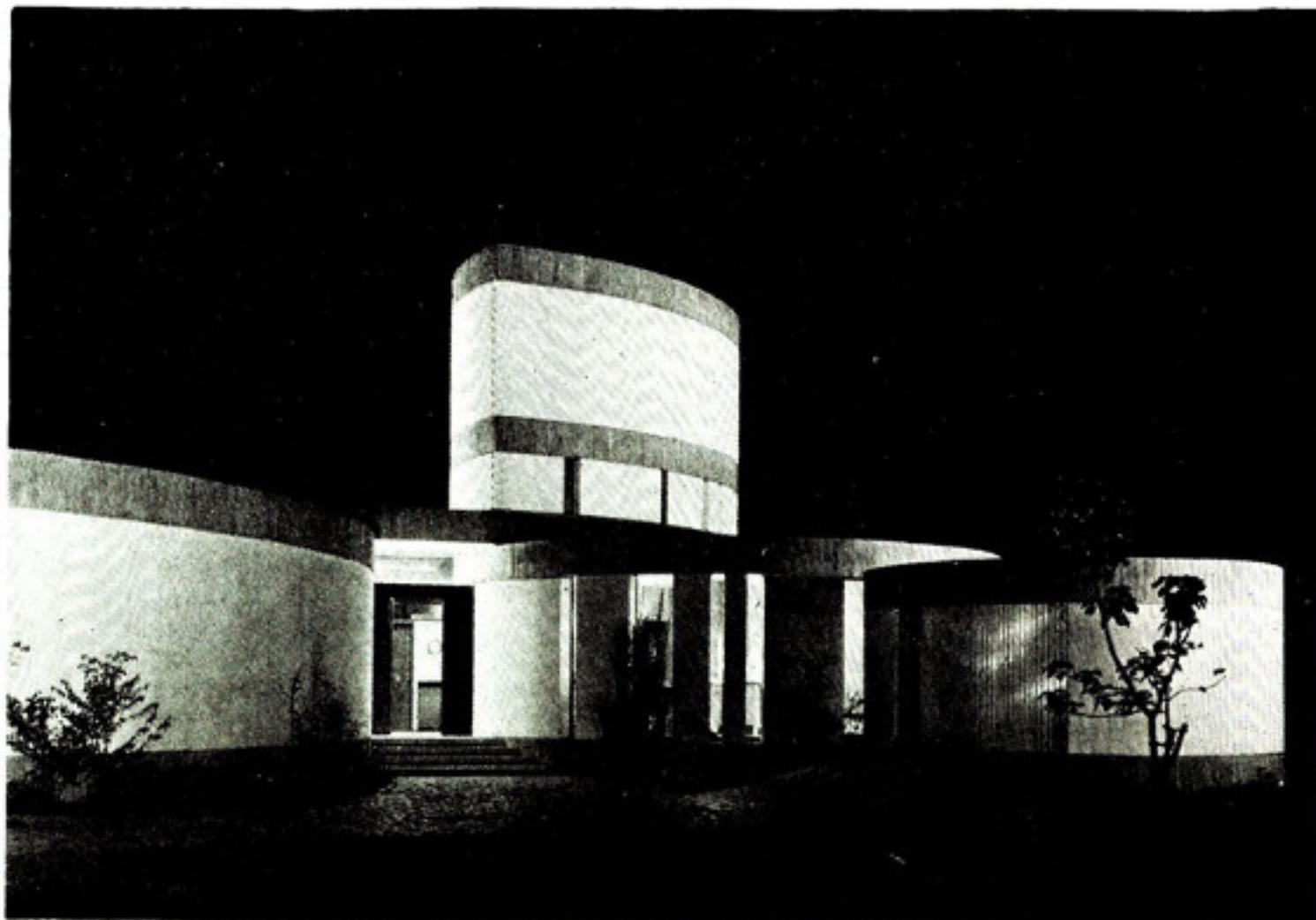
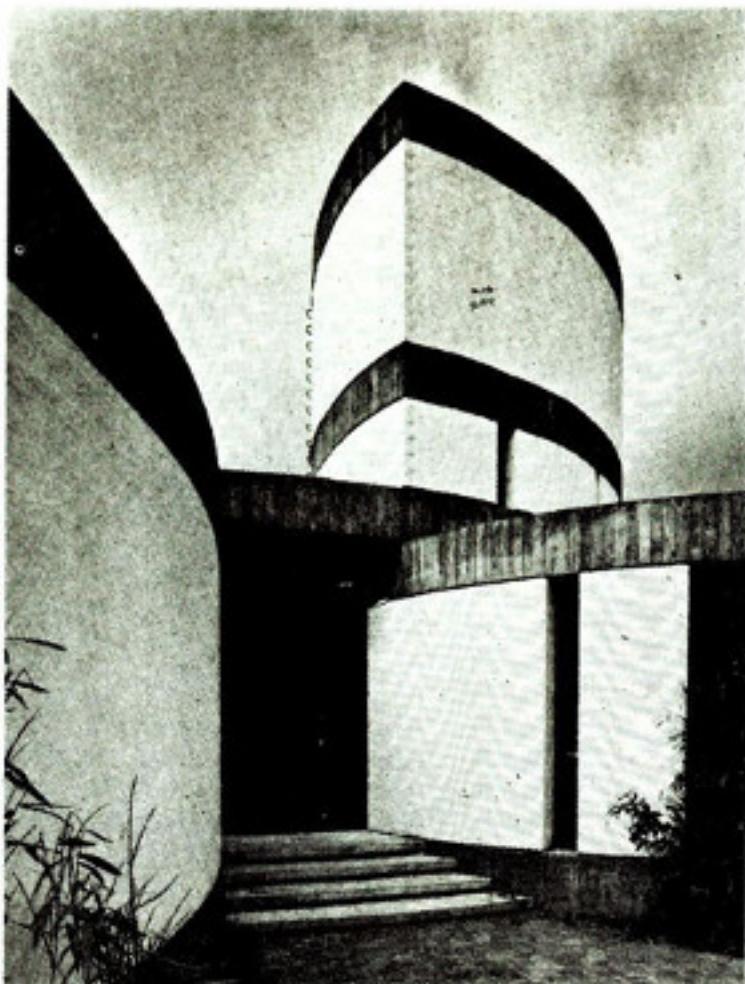


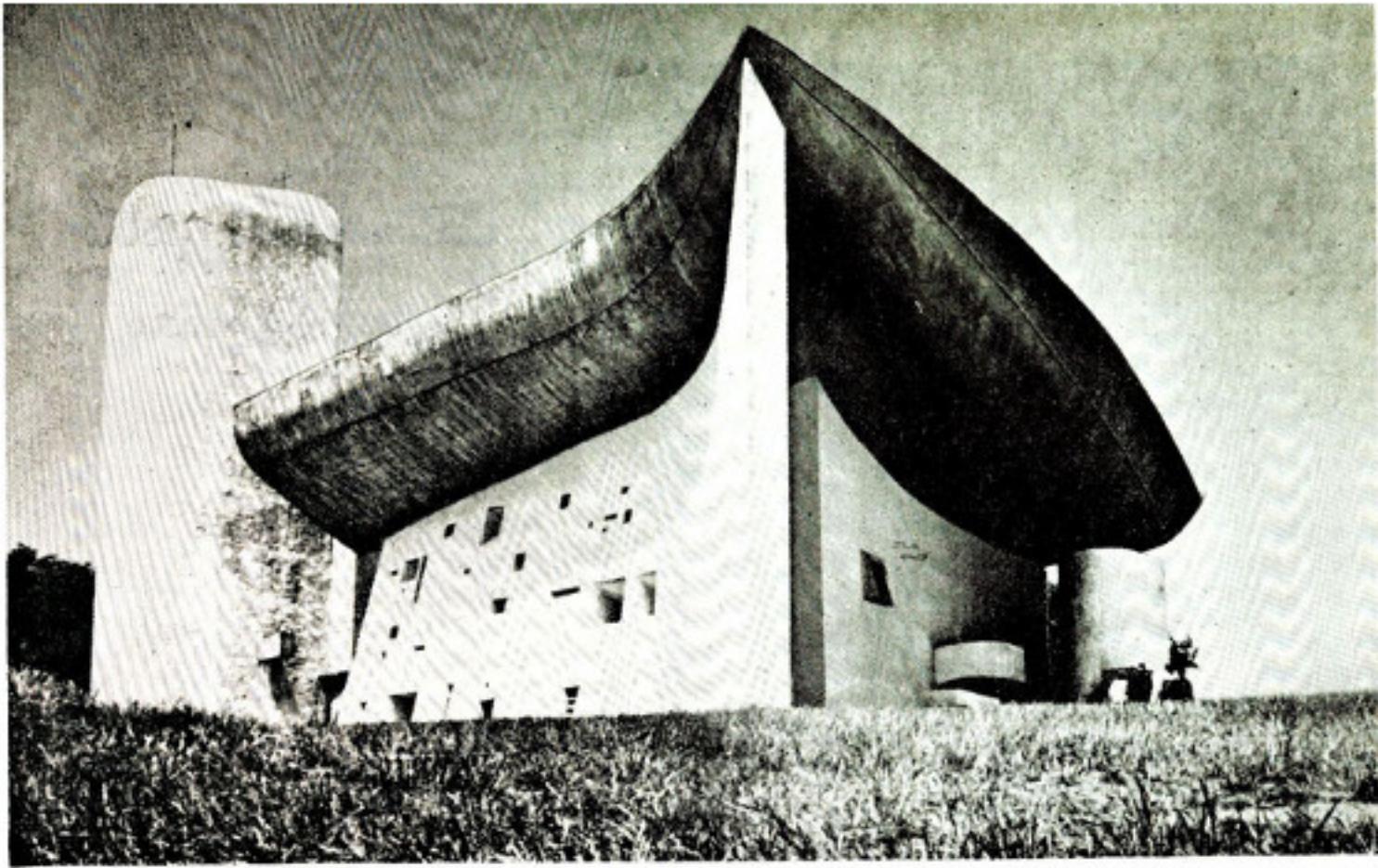
بنای  
مسکن  
وزارت

# نگاهی به تحولات معماری جهان

از پیروز سرابندی

دفتر کار و منزل مسکونی  
برای یک نفر دانشمند طرح و  
اجر از «پاول شتايدر» ارشیتکت  
آلمانی.





دو نمونه از دو کلیسا در فرانسه.  
اولی کلیسای «رون شامپ» اثر لوکور بوزیه  
که مورد استقبال بی سابقه معماران جهان  
قرار گرفت و دیگری کلیسای ابتدائی  
وساده است.

بعد از رنسانس قرن پانزده و شانزده  
و با انتشار آثار هنری نالسیک و تفسیر  
اصول و روش‌های مهدیه دوره‌های عتیق  
و عیان شدن آن سه رازهای پوچیده،  
پندریج در طی یکی دو هزار، شیوه تعلیم  
معماری بلکی غیری یافت، یعنی اگر  
در گذشته اموزش سن و فنون تنها از طریق  
تجربه و عمل ممکن بود از این پس بصورت  
ترجمه آثار باستانی درآمدیدون اندکمهفوم  
و افعی نکات هنری آن موردنظر فرار کرد.  
لذا پرورایام ارزش‌حایقی سنت‌های دوران  
گذشته روبکاهش نهاد. تا سر انجام با ایجاد  
اکادمی‌های معماری در ایتالیا و فرانسه،  
رشته نار از کف اصناف معمار خارج شد.  
معماران آکادمیک به بیانه و استگی  
بسنن هنری و تبعیت از تعالیم آن بجای  
بیش‌نازی بسوی آینده و تدبیر بازگشتند بدون  
آنکه لااقل از میراث گذشکان آنچه را که  
بکار روز میخورد، مورد استفاده قرار  
دهند.

شکل‌ها و ترکیب‌های قدیمی که دیگر  
عات صوری و ارزش اساسی خود را ازدست  
داده بود و بهیچوجه با برنامه‌های تازه و  
هدف و محتوی بناهای جدید تطبیق نمیکرد،  
مورد تقلید قرار گرفت. و  
هیسن پاسفشاری در حفظ یک هشت  
قورم و چند راه حل ناموفق باعث شد که  
آن حمیمه و حالتی که در گذشته میسن  
معنای خطوط و شکلها و حجم‌ها و تریبات

اندام معماری بود از دست برود ، و یک معماری سلطختی و بی معنی و بی هدف بوجود آید .

معمارانی چون لوگور بوزیه و رایت ، حتی موفق شده اند به از پر دست سنن هنری دیگران امتحانات قابل توجه و تحیین آمیزی در ابداعات خود بدمست اورند .

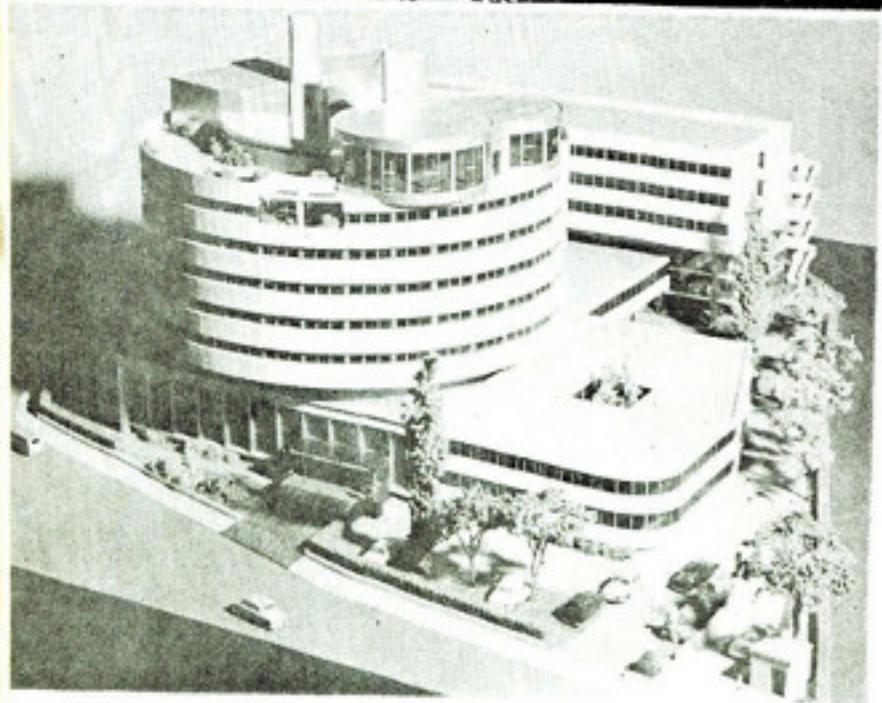
مفهوم ابداع یا ابتکار در قلمرو هنر آن نیست به چیزی بیافزونیم که رابطه ای با هنر دستخان نداشته باشد . هیچ هنری از این راه هنامی نیافتد و اگر هم چند روزی برخیشید ، درواقع دولت مستجل بوده است .

در کتاب ( معماری شما و من ) توشه زیکریدگیدیون روش شده که یعنی درک معماران قرن نوزدهم و قرن بیست اخلاق فراوانی وجود دارد . ما در زمانی هشتم که سنت جدیدی در معماری جهان شکل میکیرد . اصولاً نباید لغت « سیک » را برای معماری تو پکار برد ، جنبش جدید معماری چیزی شبیه سیک های معماری قرن نوزدهم نیست درک جدیدی است از زندگی امروز و شرایط آن . ما تنها میتوانیم آرا بصورت سنت تازه ای توجه کنیم و نشانه های زیادی صحت تیجه کشی ها را تائید میکنند . علیرغم مشکلات زمانی - سنت جدید در معماری و شهرسازی بتوسعه خود ادامه میدهد این سنت در نتاط گوناگونی مثل فلاند ، برزیل و زاپن یوضوح تجلی کرده است .

و در پانزده سال اخیر جهات توسعه آن مرتب مخصوص تر شده اند . این استثنایی است جهانی از ارزش های تازه ای مثل « مقیاس انسانی » « حقوق فردی » و « امنیت حرکت در شهر » .

طراحی در یک مقیاس بزرگ به معمار این اجازه را میدهد که طرح یک شهر یا یک ناحیه را بریزد - معدالت مسئله این است که ما چگونه میخواهیم زندگی کنیم . یک نوع احساس ناراحتی و ناراضیت در مورد وضع شهرها در تمام دنیا بیداد شده است . استدھای گوناگون برای ایجاد هر گز شهری برای تقریباً همه شهر های بزرگ از « هاسینتکی » تا آتن در اروپا و پایتخت های جدید و قدیمی آسیا و آفریقا مثل بغداد اسلام آباد درست تهیه است .

در شاندیگار به پیروی از سنت قدیمی مرکز دولتی در قلب شهر بنای شده است در بر ازیلیا مرکز دولتی در منتهی الیه شمالی شهر قرار دارد . در استکهم محلی برای ایجاد یک مرکز بزرگ و جدید آماده شده است . در پوتون عنده ای از استدان داشگاه طرحی برای تبدیل یک ایستگاه راه آهن قدیمی به مرکز شهر در دست دارد . مرکز تجاری « راکفلر » در نیویورک با وجود



خاور دور و در فنلاند و بزریل باشکال گوناگون ساخته میشود . بنایی که نوع تازمای از خلاقیت هنری را عرضه میکند ابتدا در فنلاند دیده شده و بعد در بزریل هر کشور اختصاصات منطقه‌ای خود را به آن افزود فنلاند نشان داد که چگونه معماری جدید نمیتواند در عین حال بین‌المللی و منطقه‌ای باشد . و بزریل با حفظ روحیه آمریکای لاتین زیبائیهای تازمای از شکل و خط در یک سری نماها و طرح‌های بسیار جالب معرفی کرد .

ورود ژاپن به جریان اصلی معماری جدید . آخرین تحرك است . برای اولین بار صدای خاور دور را میشنویم . قبلا در قرن هیجدهم سنت‌های محلی چین و ژاپن در غرب خیلی مورد توجه واقع شد . در قرن نوزدهم بصورتی جدیتر ، عیقق تر - حکاکی ژاپنی روی چوب به امپرسیونیستها در تکوین اندیشه هنرهایشان کمک کرد . ولی امروز وضع یکلی متفاوت است . حالا ژاپن سنت‌های کهن را عرضه نمیکند . وقتی در سال ۱۹۵۳ (زیگفرید گیدیون) مقدمه‌ای بر ترجمه ژاپنی (فضا ، زمان و معماری) مینوشت خود را ناگزیر به میاد آوری این نکته میداند که دیگر غرب نمیتواند ادعای پرچم‌داری تمدن جدیدرا داشته باشد . تمدن جدید تیجه برخورد شرق و غرب است . تازگی معماری ژاپنی در عین حال که بسیاری

پیدایش نمدن‌ها بوده است . ولی شکل آن در حال تغییر است . امروز توسعه شهرهای بزرگ کاملا در جهت منظم کردن آنها است .

در ربع قرن اخیر تنها اروپا منشاء جنبش‌های تازه برای توسعه معماری جدید نبوده است . یک توسعه بین‌المللی در جریان است که روی پایه‌های مشابه بنا نشده است و پیراهنی که توسعه بین‌المللی بستگی دارد پیردادش معمار هر تعلق از فضا و این خود به حالات روحی و عاطفی و معتقدات مربوط نمیشود .

درک (ساختمان اشکال) در طرح رابطه آنها با یکدیگر ، طرز جدا کردن فضای داخل از فضای خارج و هم‌آهنگی این دو با یکدیگر پایه‌های معماری امروز است .

نکته دیگری هم هست که اهمیت کمتر از اولی نیست و آن اصول و اختصاصات بهترین نمونه‌های معماری زمان ماست .

توجه به نمونه‌های خوب معماری به تصور هنری معمار میدان و قدرت میدهد . عناصر فعلی منطقه‌ای را (جنبش جدید منطقه‌ای) مینامیم جنبش‌های منطقه‌ای را میتوان بوسیله برداشت‌های گوناگون از فضا و نحوه‌های مختلف بیان شناخت ، در این میان احتیاجات منطقه‌ای هم جای مهمی دارد . یکنوع مشخص ساختمان در خاور میانه ،

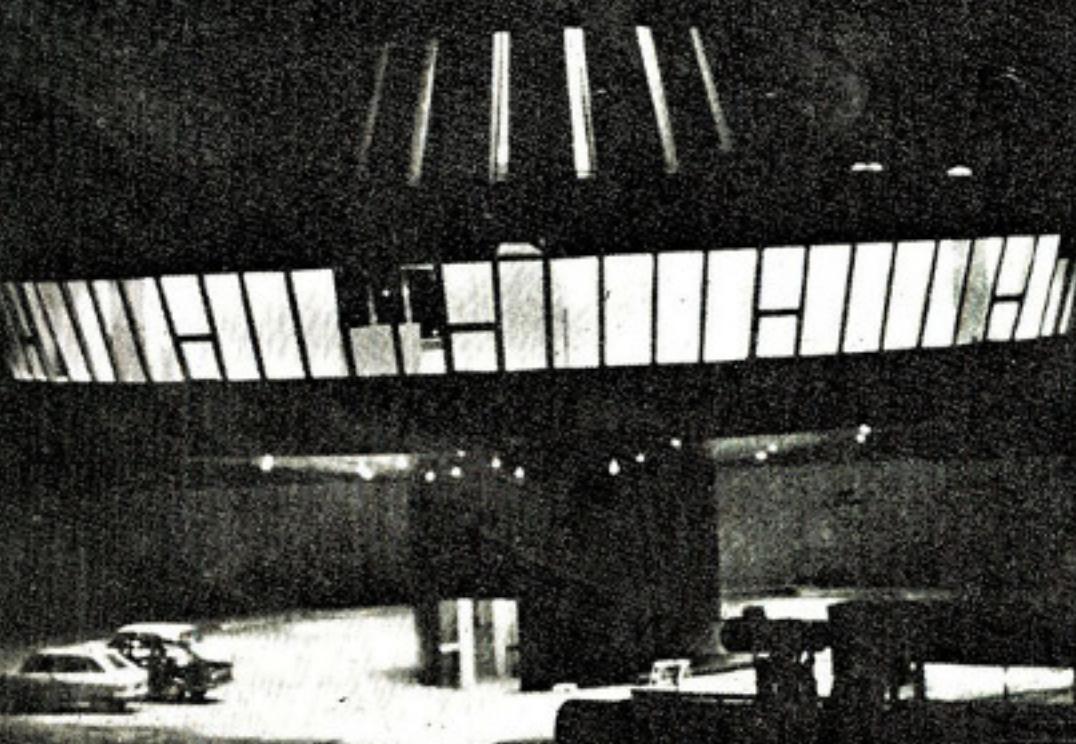
این که مدت نسبتا زیادی از ساختهای میکنده هنوز از پر ترین مراکز شهری ایالات متحده است .

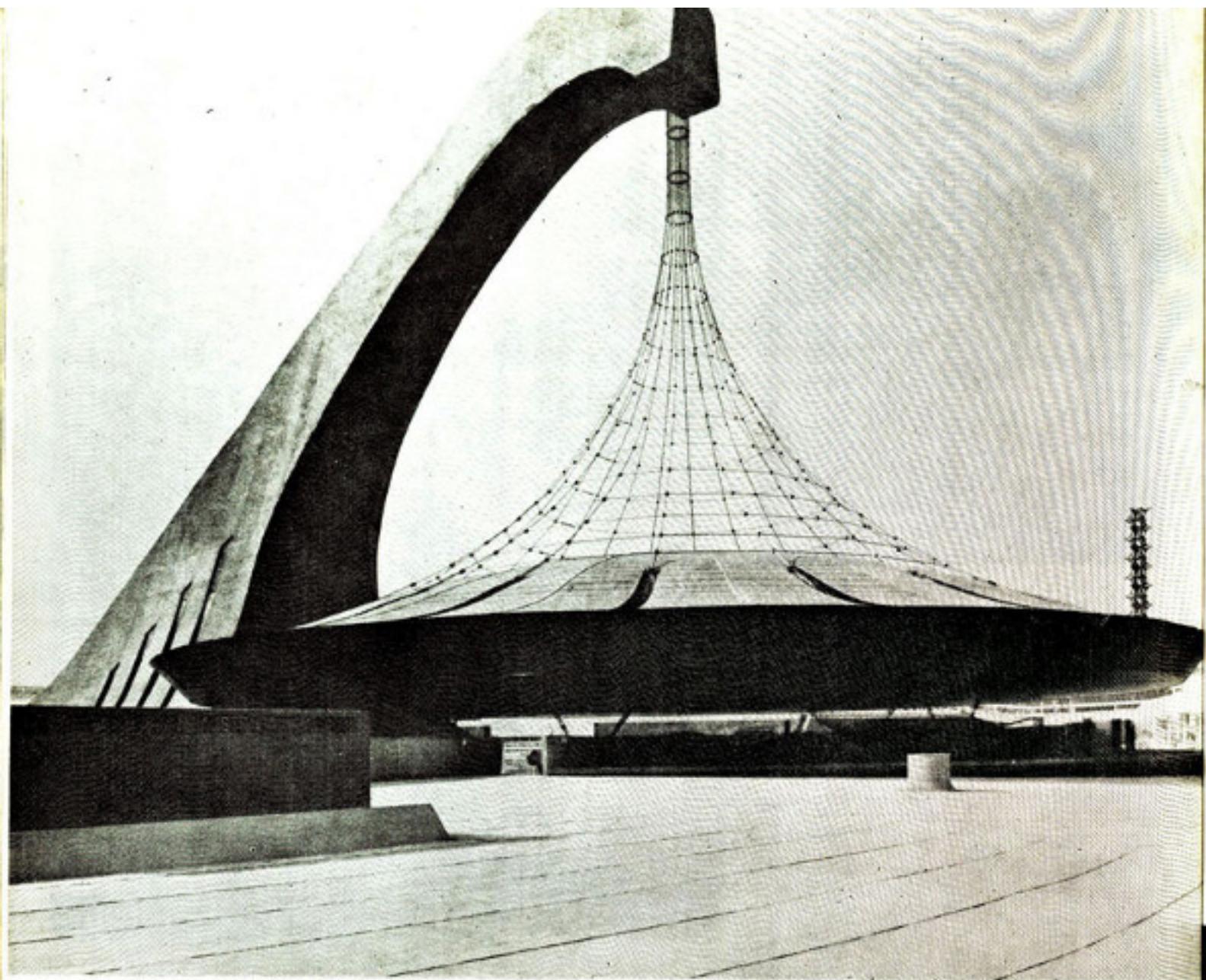
افکار جدیدی برای شهرسازی امروزه از زبان سرچشم میگیرد . توسعه بسیار سریع توکیو در پیست سال اخیر معماران ژاپن را وادار کرده است که برای حل بسیاری از مشکلات پیش‌بینی نشده کوشش کنند . طرح پیشنهادی «کتروتائانگ» معماری ژاپنی برای توکیو در سال ۱۹۶۰ در این میان پیش از همه جلب نظر کرده است .

طور کلی بنایی (تائانگ) در طرح ۱۹۶۰ به ترتیب خانه‌های محلی فیز در نظر گرفته شده‌اند ولی نکه قابل توجه این است که وقت زیادی صرف شده که روش‌های جدید ساختمان با این طرح تطبیق داده شوند . در کتاب (فضا ، زمان و معماری) این سوال مطرح شده که آیا باید شهر را نابود کنیم یا تغییر کلی در آن بوجود بیاوریم .

ایده (فرانک لوید رایت) برای تخریب کامل شهرها و زندگی افراطی تعقیب نشد . حالا راه درازی را در پیش پای خود میبینیم . حفظ روحیه صمیعی زندگی - هتبیان انسانی - طراحی برای جمیعت در حال تراوید و بسیاری مشکلات دیگر ولی شهر نابود نخواهد شد . از دیرباز شهر نشانه

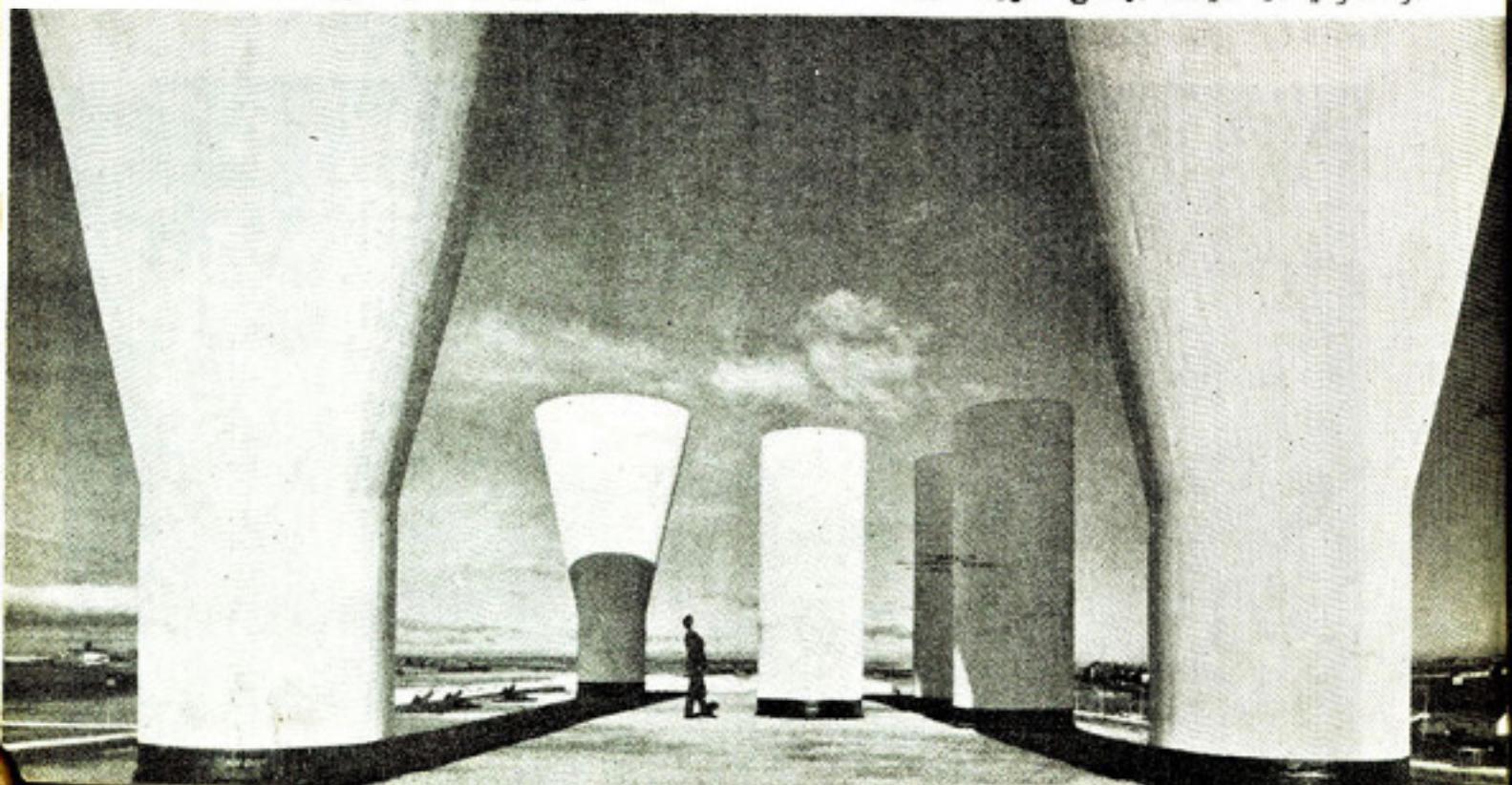
ساختمان بخش هورمون شناسی فرانسه آرشیتک «روژه ندون شل»





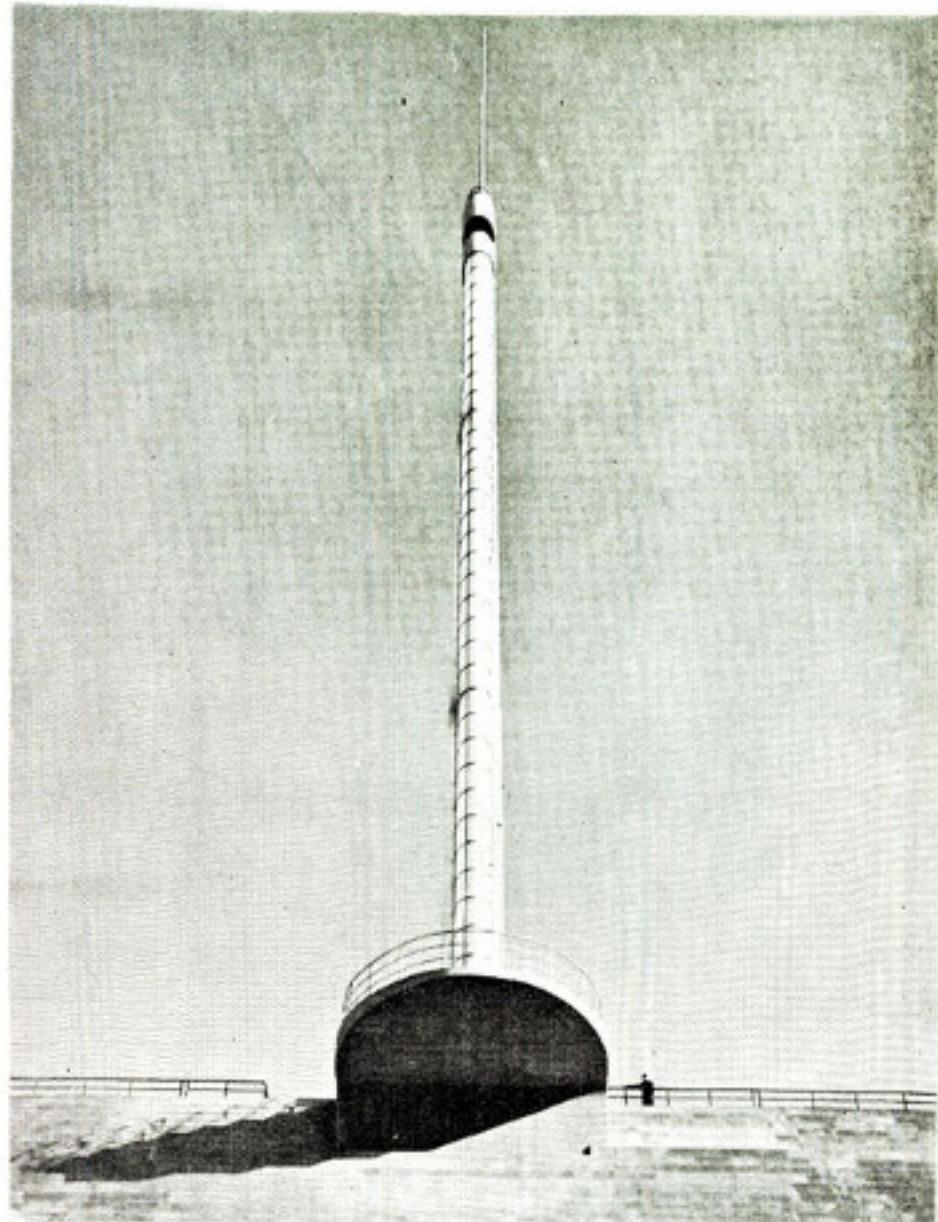
کارخانه لوله‌سازی در « کلیگ ورت » انگلستان .

غرفه استرالیا در نمایشگاه جهانی اوزاکا ۱۹۷۰

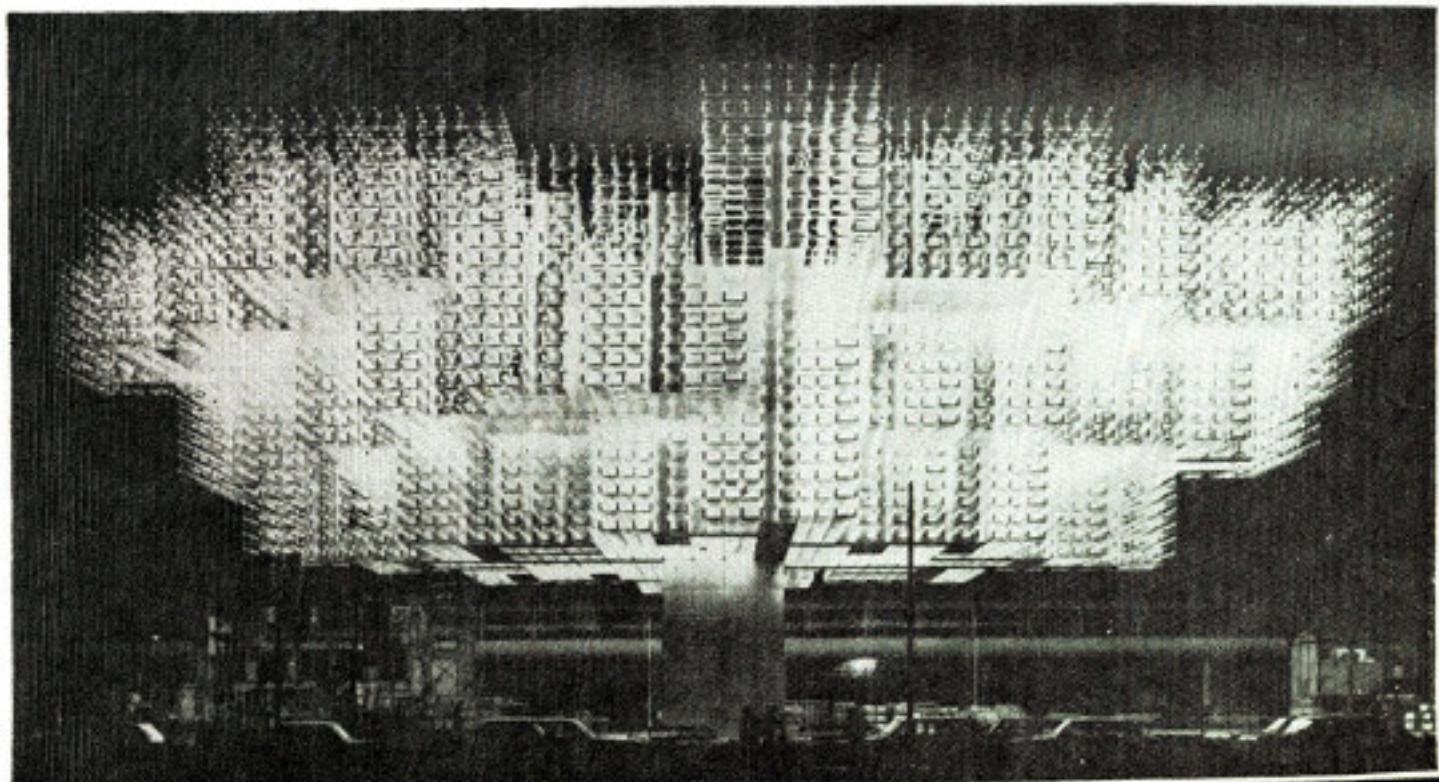




دو نمونه از دو بنای یاد بود . یکی  
به ارتفاع ۹۴ متر و دیگری یک متر و هشتاد.  
هر دو بنادر ایتالیا ساخته شده‌اند ، ارشیتکت  
بنای اولی « فروی » است .



شکل زیر - غرفه سویس در نمایشگاه جهانی اووا کا ۱۹۷۰



اختصاصات محلی دارد خود بخود ظاهر نشده است.

اولین ایده‌های تورا معماران جوان زاپنی نه در اقلیه « لوکوربوزیه » در پیاریس نار نرده بودند به شورشان برند شاید به نظر بررسد له طرح و ساختمان امپریال هتل تو دیو بوسیله رایت ( ۱۹۲۲ - ۱۹۱۷ ) به جنبش جدید له که درده است ولی امپریال هتل پیش از آن نه چنین باشد مقداری از « استلاح » و روشهای چیزی را وارد زاین کرد . با وجود این که این بنا در زلزله سال ۱۹۲۳ بطرز معجزه اسانی سالم باقی مانده توانست برای یک جنبش سریع به اندازه نافی تأثیر بکذارد . کلید فردیکی روحیه شرقی و عربی در معماری جدید زاین در نست معماران جوان زاپنی « ماکاوا » و « ساکورا » و دیگران است که با لوکوربوزیه نار نرده‌اند . در اقلیه لوکوربوزیه افان آنچه میخواستند باقیند.

غالباً تمایل مجسمسازی تو را به مت معماری و تمایل معماری را به مت مجسم در برخورد با اثار جدید حس میکنیم . استقبال معماران سراسر دنیا از بناهای مثل لایسای « رون شامپ » یا سالن فستیوال تو دیو تمایل معماران را به هنرهای پلاستیک و مجسمسازی بخصوص تائید میکند .

شاید در شروع جنبش جدید نقاشی بر معماری پیش‌تر بود ولی امروز مجسمسازی است که بسوی پایدهای معماری جلو میرود . راز کار لوکوربوزیه در این است که او او علاوه بر معمار - نقاش و مجسمساز هم بود . معدالت یک معمار متوسط امروز بذریت میتواند کارش را از نظر نظر فنا بگونه مجسمساز مورد توجه قرار دهد . اید این است که در آینده معمار و هنرمند از ابتدای هم کار کنند تا یک بنا از هر جهت رضایت چشم را نامین کند .

برای آنکه آسان‌تر درک کنیم که در معماری امروز دنیا چه میگذرد باید به معماری از دریچه کلی ، نه فقط معماری جدید نگاه کنیم . بطور خلاصه سه مرحله را میتوود در توسعه معماری مشخص کرد . مرحله اول شامل نخستین درک و بروز از فنا است . در این مرحله فنا رابطه حجم‌های بزرگ با یکدیگر بوجود آمد .

میا ورد ، معماری قدیم مصر - سومر و بیونان از این نوع است - در مرحله دوم - توجه معماران بعضی داخل مطلع میشود . عالیرغم نونه دونکی های متعدد مثل شیوه ها « روہانک » و « بیزانسی » و گوتیک و پاروک این دوره فاصله زمانی بین ساخته ایان پاقنون رم تا اخر فرن هیجدهم را شامل میشود . فرن نوزدهم در اینجا موقعیت مخصوص ، به خود دارد درک بعدی از فنا بر پایه ابتلاء در ابتدای فرن بیتم استوار است و اثر آن را در معماری و شهرسازی امروز میتوانیم بینیم . تردیدی نیست که عوامل زیادی و مهمتر از همه پیدایش ها شن در پیدایش درک تازه از فنا هوثر بوده اند . ما هنوز در ابتدای چنیش معماری فرن حاضر هستیم ولی خطوط اصلی رسم شده است گرچه میتوان انتظار تغییر شکل های متعددی را داشت .

یوجین راسکین در کتاب گفتگویی درباره معماری میگوید . پسیار شنیده ام که معماران وقتی کار تازه ای را شروع میکنند میگویند « این بار میخواهم چیزی امیل بیافرینم » من نیز خود چنین گفتم و شما هم اگر معمار پاشید یا بطور کلی در یکی از امور خلاقه کار کنید این سخن را گفته اید . ولی من هنوز هیچ امثال واقعی در کاری نه اینهونه اغزار شده است ندیدم .

اگر فرد بتواند بذات یکتاپی خود نست یاد تجیله بطور قطع باید چیزی خلاف همکان باشد . این اختلاف حاصل خلاقيت واقعی است . پسیاری از هنرمندانی که در زمینه های خلاقه کار میکنند از حالت خاص سخن میگویند . حالتی مانند « نهی شدن » یا « بروز ریختن » و یا « بقول خودشان » چیزی از وجود و درون خود مایه گذاشتن این احساس بهیچوجه قابل مقایسه با خشکی از کارهای روزانه نیست . درخشن از ، یک آگاهی غنی است ، از بر شدن که تیجه اش خلاقيت است .

ادران جامعه امروزی ها باید در تقسیم عاقلانه و عادلانه منافع اجتماعی و بالا بردن سطح زندگی و موجودیت طبقات هر اکم و انبوه باشد و در مورد مسکن سعی شود افصال و تعداد فوق العاده مابین مسکن فنی و لوکس را با مسکن مسکین از بین برود .

بطوریکه خواندنگان محترم استحضار  
دارند در شماره قبل مجله هنر و معماری مقاله‌ای  
از آقای انور ظهیر تحت عنوان « گذشته گرانی  
در معماری » بجای رسید .

پاسخی به :

مطالعه مقاله مزبور در خواندنگان  
احساسات متفاوتی برآنگیخت که برحی از آنان  
موافق و گروهی دیگر « مخالف نظرات ایشان  
بودند .

## گذشته گرانی در معماری

اکنون یکی از نظرات مخالف را که  
توسط آقای پرویز دبیر نوشته شده است در این  
شماره بجای میرسانیم و قضایت در این دو مقاله  
را بهمراه خواندنگان ذیصلاحیت و آگاه خود  
میگذاریم .

نهایاً مطلبی که باید قبلاً تذکر داده شود  
اینستکه حات و اصلاحاتی که در مقالات میشود  
نهایاً در زمینه ساده توبیخ و دستور زیان است  
نه در اصطلاحات فنی و علمی چه همانطور که  
در صفحه اول محله همواره بجای میرسد  
« مقالات مندرج در مجله عتاید نویسندگان  
است » .

از : پرویز دبیر

هیئت تحریریه محترم، چون در شماره ۸ مجله هنر و معماری تحت عنوان گذشته گرانی مطالبی را درج فرموده بودند لازم دیدم مطالبی را بشرح زیر منتذکر کرم .  
قبل از هر چیز آرزو دارم که نوشته ها در آن مجله بدون حب و بغض چاپ شود و دوستان سعی نفرمایند با پکار بردن جملانی که در هنر معماری معمول نیست سعی نمایند فعالیت دیگران را تحفظه نمایند فی المثل در مقاله گذشته گرانی نویسندۀ سعی نموده که بجای کلمه استرلیزه از کلمه کاریکاتور که در معماری معمول نیست استفاده نماید در حالیکه استرلیزه کردن در معماری بطور اعم هنریست که بعضی از معماران جرأت پی کری آن را نداشته و عده‌ای هم بطور کلی با استرلیزه کردن سبیل های معماری موافق نیستند . برای عده اخیر الذکر توضیح اعرض میشود که اجرای طرحهای که از معماری قبل از اسلام یا بعداز اسلام الهام خواهند گرفت با رعایت کلیه اصول معماری پرای امروز چندان ضرور نیست و علاوه بر آن کاریست پس مشکل و بجزات میتوان گفت با سرمایه های بخش خصوصی کاریست محل ، وضع اقتصادی مردم و علاقه به پهنه برداری هر چه زودتر از سرمایه ها، کم بود کار گر متخصص و در نتیجه گرانی اجزاء مشکله ، همه و همه مواعنی هستند که اجراء و اتمام کار را





مسجد - کلیساها - مونومانهای ملی و از این قبیل است.

سخن را کوتاه کرده و بجزات میگوییم این قبیل باشد. بدینه است چنین طرحی که با چنان مصالحی اجرا شود هرچند که صحیح باشد جوابگوی زندگی امروزی نیست. در حال حاضر حجاری - گچ بریها و کاشیکاری ها و پطور کلی یاک مجموعه معماری ملی علاوه بر آنکه خسروانی ندارد در اکثر اوقات جوابگوی نیازمندیهای روز را نیز تenuisید و باید اذعان نمود معمارانیکه به پیروی از منیات شاهنشاه آراماه و شهابوی گرامی علاقمند به احیای هنر و معماری ملی هستند همواره میکوشند که با تلفیق معماری مدرن و معماری ملی قدمهای مشتری بردارند آیندگان.

دارای بیرونی - اندرونی - حوضخانه - غلام کریش - هشت و بالآخره طوبه و از این قبیل باشد. بدینه است چنین طرحی که با چنان مصالحی اجرا شود هرچند که صحیح باشد جوابگوی زندگی امروزی نیست. در حال حاضر حجاری - گچ بریها و کاشیکاری ها و پطور کلی یاک مجموعه معماری ملی علاوه بر آنکه خسروانی ندارد در اکثر اوقات جوابگوی نیازمندیهای روز را نیز تenuisید و باید اذعان نمود معمارانیکه به پیروی از منیات شاهنشاه آراماه و شهابوی گرامی علاقمند به احیای هنر و معماری ملی هستند همواره میکوشند که با تلفیق معماری مدرن و معماری ملی قدمهای مشتری بردارند آیندگان.

با مشکلات توأم نموده که از حوصله مده کثیری از صاحبکاران دور است و از طرف ارائه غرور ملی موجب میشود شه هدن اجرای طرحهای مدرن برای زندگی در این قرن از هنر های ملی که در معماری بصورت گنجینهای نهفته است استفاده نمود.

افتکالات فوق الذکر و رعایت حفظ سن و آثار باستان باعث میگردد که تلفیقی از معماری باستان و معماری نویوجو آید و هدف و متنظر معمارانیکه از روشهای گذشته برای نشان دادن طرحهای خود استفاده میشایند اطاعت کورکورانه از معماری گذشته نیست، بلکه هدف اجرای برنامه های صحیح معماری مدرن است با استفاده از سیولهای معماری و رعایت تابعیت صحیح عمر پاسان میباشد، تویینده در مقامه مورد بحث اظهار تألف نموده که در قرن ییتم ساختمانهایی با طرحهای مدرن و مصالح جدید ساخته می شود که با نصب در و پیوندهای قوسی شکل بصورت دکورهای در خیابانها بهشم میخورند درست است امروز کم و بیش در هر خیابان و کوی و بزرگ ساختمانهایی دیده میشود که سازندگان آنها بر اساس رعایت زمان و مکان هریک بنحوی در راه تلفیق معماری امروز و دیروز قدم پرداشته اند و مسلم است که در این راه مشکل ممکن است بعضی ها هم دچار اشتباوهای شده باشند ولی ادامه آن پیر مورت که باشد قدیمی است که در روحیه صاحبکاران مورخ بوده و مقدمه ای است برای اجرای برنامه های وسیع تر و صحیح تر، ولی آنچه که بیش از همه باید رعایت شود و این دست از معماران هم کم و بیش دنبال میگردد احیای هنر معماریست نه تکرار قوسها - هنر در هر زمان باید با پیشرفت زمان هم آهنگی داشته باشد پس قوسها خسراها - حجارهای گچ بریها - کاشیکاریها و تزئینات بایستی همزن مان با وضع زندگی مردم امروز طرح ریزی شود و تکنیک زندگی ماشینی کاملا در آن مخصوصاً باشد و در حقیقت معماری ایرانی را میتوان در این جمله خلاصه نمود (رعایت و حفظ سن معماری با توجه زندگی امروزی و استفاده از مصالح قابل قبول دنیای مترقبی) شاید انتظار تویینده غریز بدانگونه بوده که بجای مصالح جدید از خشت و گل و چوب استفاده شده و بجای طرحهای مدرن مثلاً خانه ای ساخته شود که



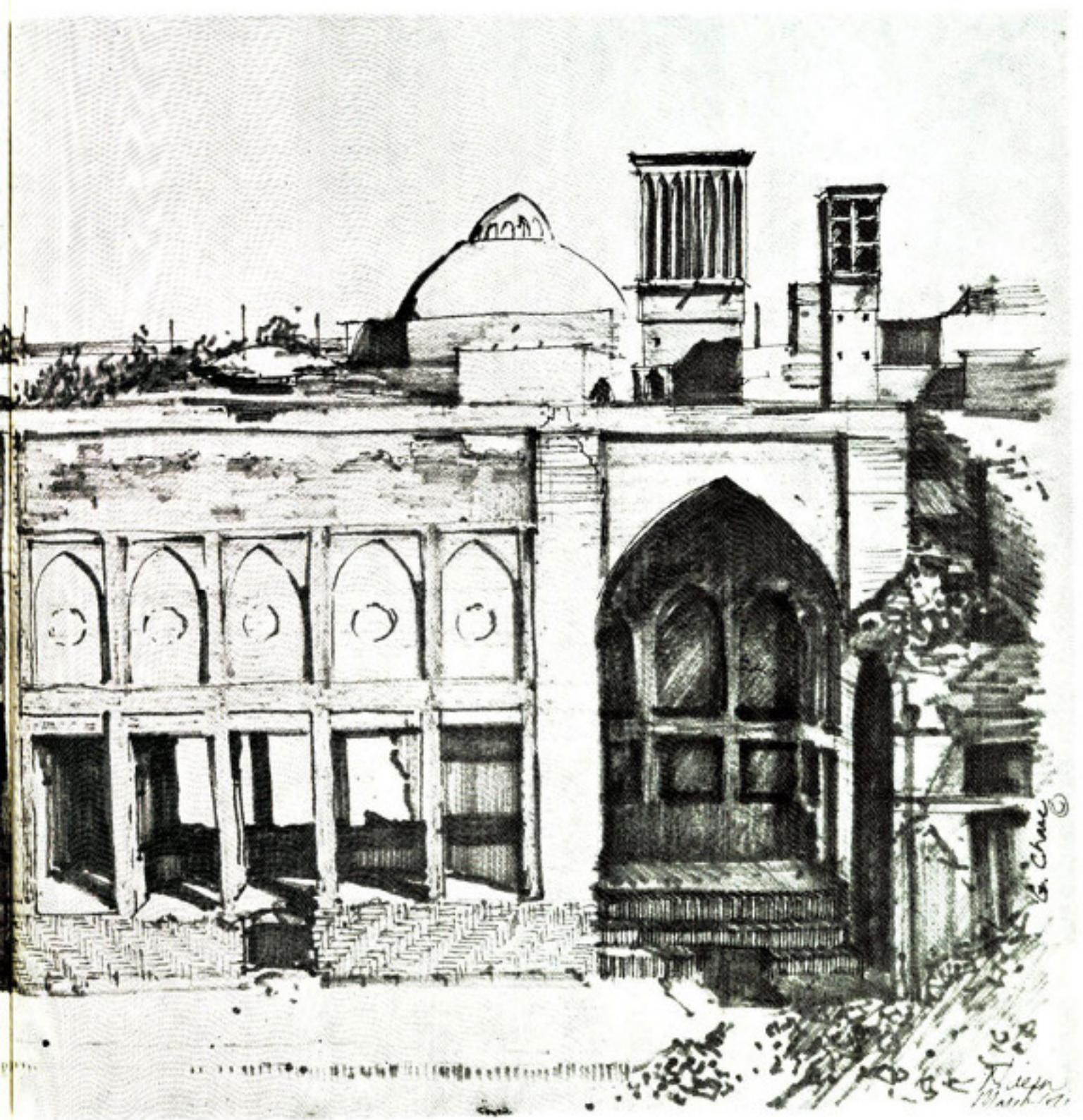
بار دیگر ، پس از گذشت ۲۵۰۰ سال ، تخت جمشید دیدارگاه بزرگان جهان است



جنده کروکی از «گوی گاری چیز» آرشیتکت امریکائی

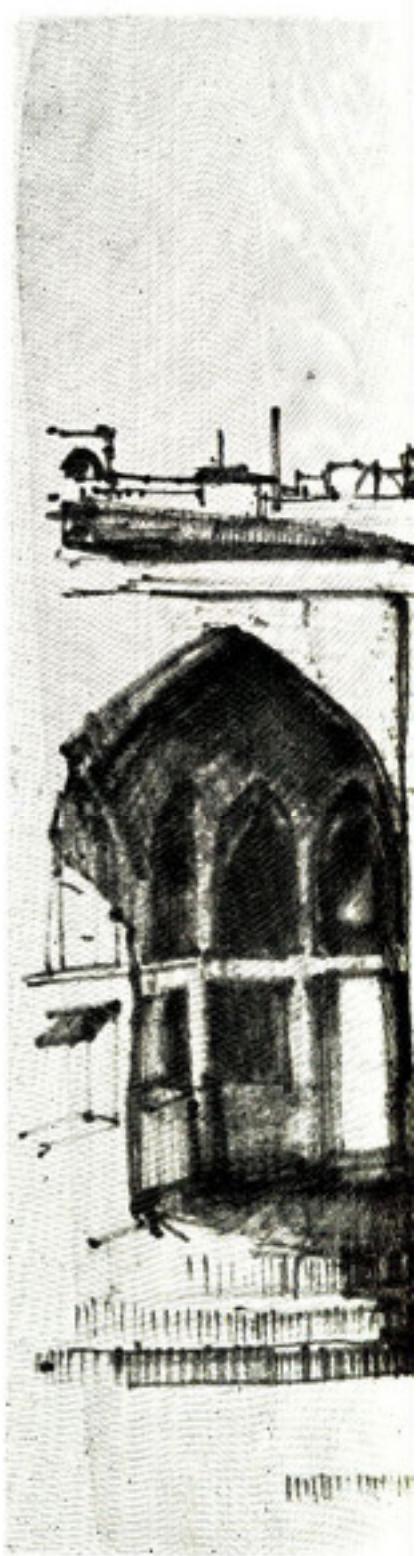
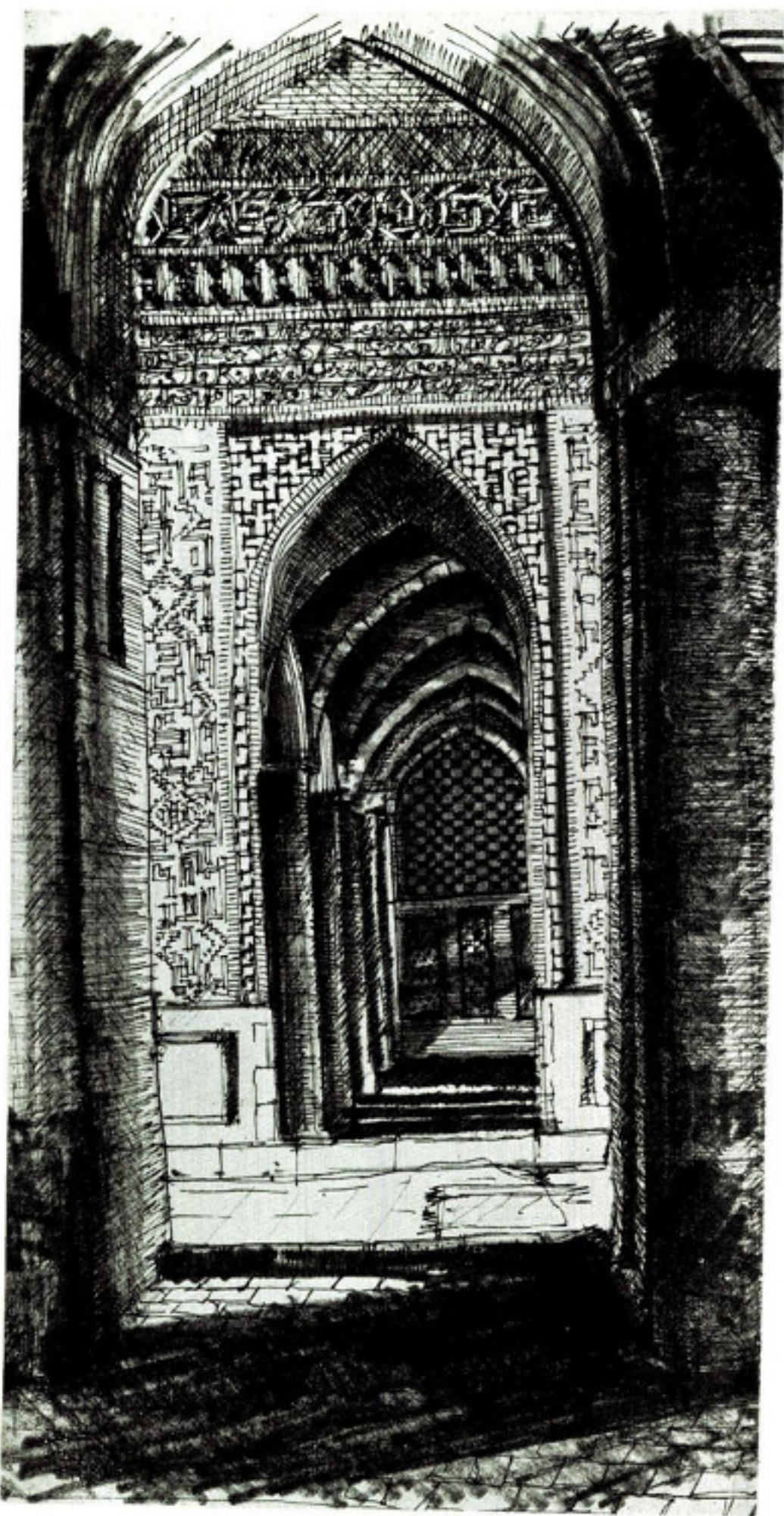
## Gregary Chase

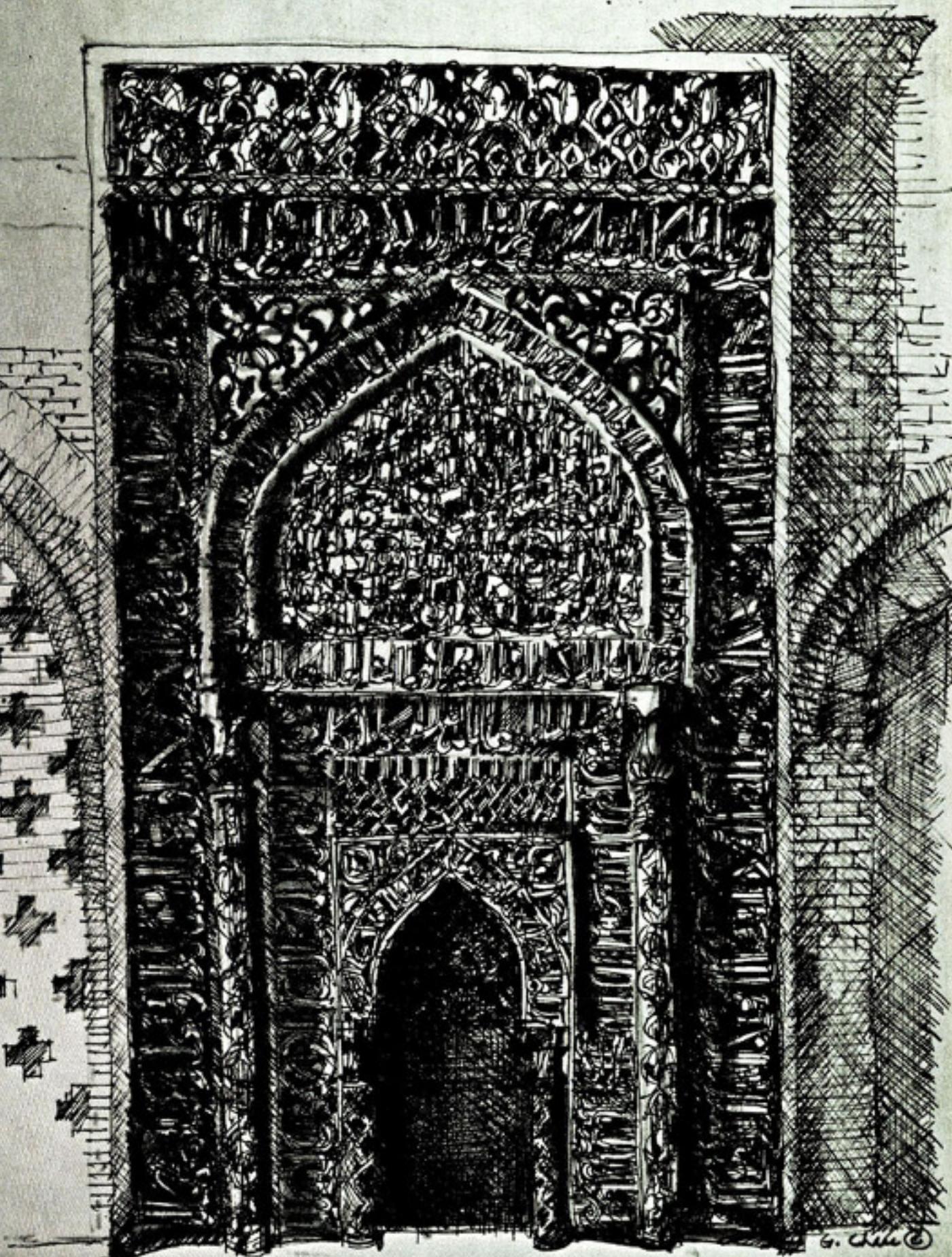
به سال ۱۹۴۷ در واشینگتن متولد شد  
از دانشکده هنر های زیبای همان شهر  
فارغ التحصیل رشته معماری گردید.  
در حدود یک سال و نیم در ایران به  
تجسس و سیاحت پرداخت.  
محله هنر و معماری برای آشنایی  
خوانندگان محترم خود چند نمونه از آثار  
این آرشیتکت جوان ایران دوست را در  
صفحات بعد معرفی می کند.



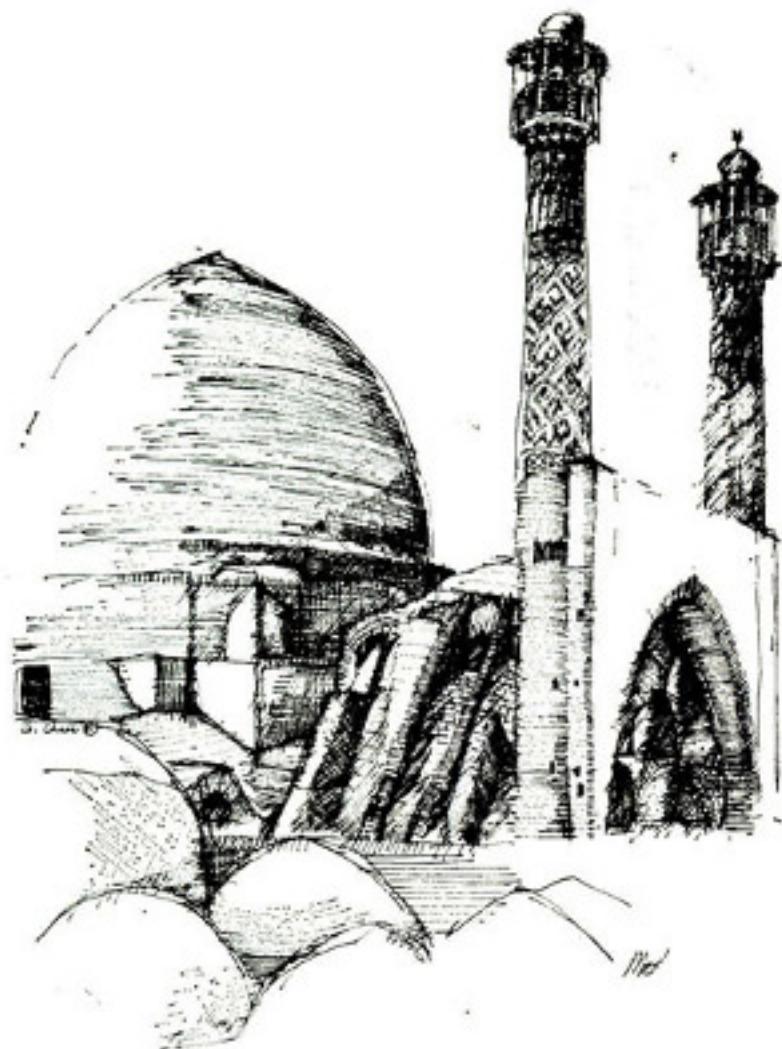
© Chen

Tiyan  
Wuk

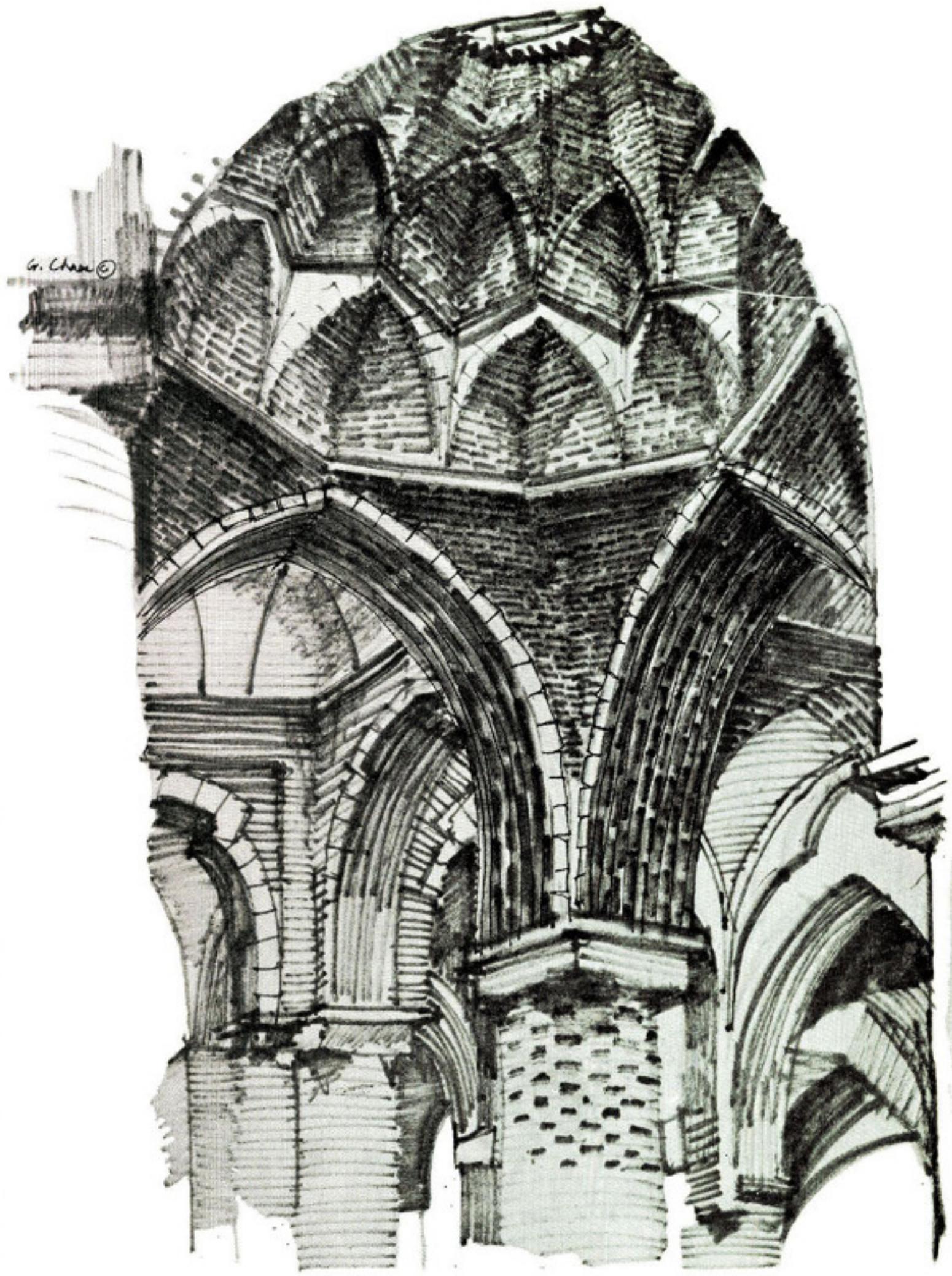


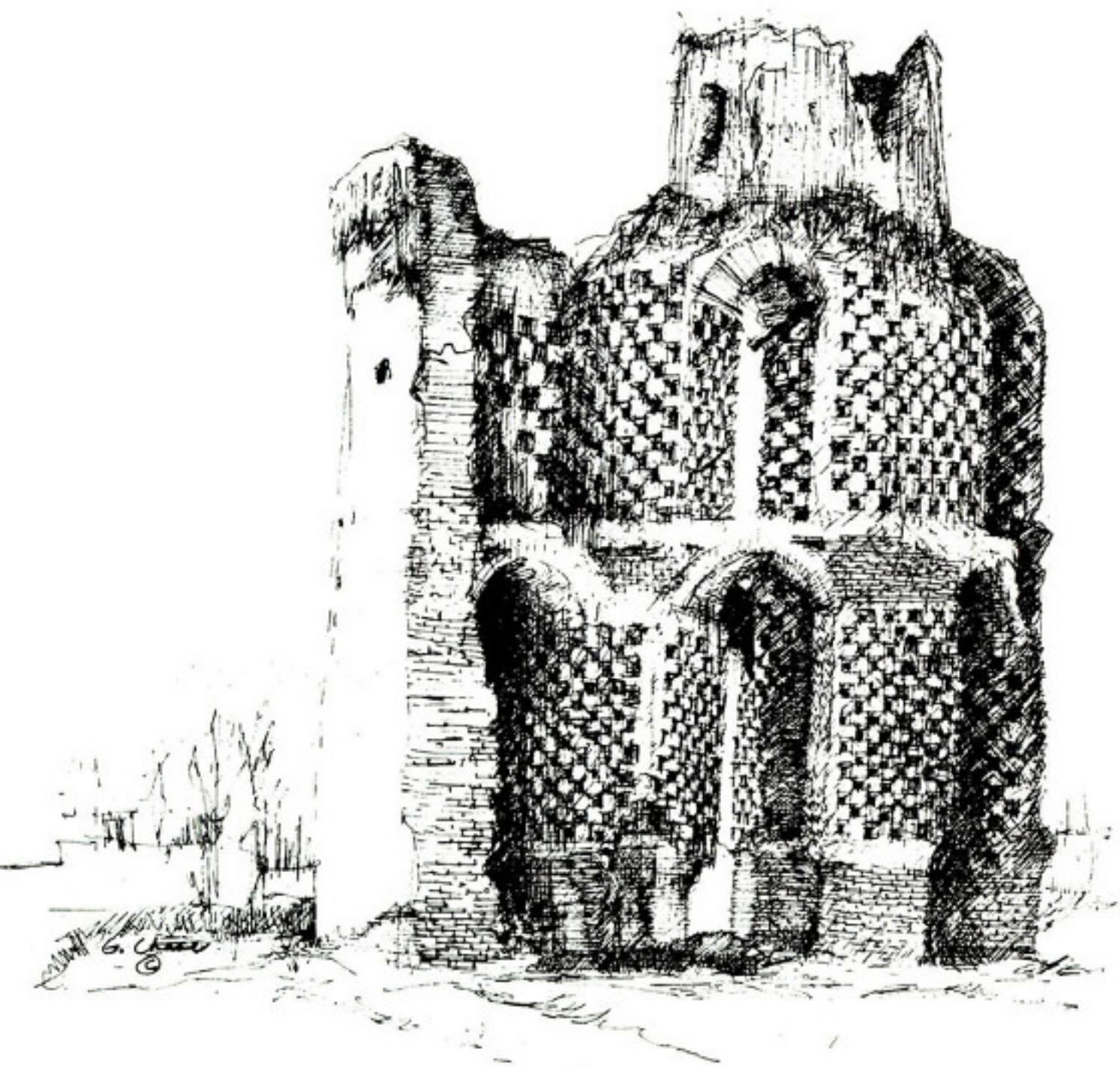


Mosjed Jané  
Nov 2 17



Nain  
Feb 977  
J. Chase (C)







## هنر و معماری با کوارنی آرشیتکت ایتالیائی در نخستین کنگره معماری جهان

بتواند این قدرت را داشته باشد که فکر های زیباتری از تکنولوژی و جامعه شناسی و غیره را که بین آنها فضای وجود دارد بهم متصل نماید تا بتواند شهر تازمای اختراع کند.

در مورد سنت، فکر میکنم در مجموعه لغات و یا در معماری بتوان سنت را تعریف کرد اما تعریف این که در این زمینه هستند کامل نیستند و یا پنکاپل فرمیدهند که بطور موجز و دقیق میین آن باشند.

بعضی از اهالی غرب از کشور های مختلف تصویر میکنند که سنت فرم گشته است و بعضی از آمریکائی ها فکر میکنند که سنت چیزی است که با تکنولوژی و یا کارهای مهندسی مسلم است که با تکنولوژی میتوان معماری را بوجود آورد اما این کافی نیست تکنولوژی را باید در دست معمار رام شود تا به معماری آن چیزی است که عوض میشود تغییر و تبدیل پیدا میکند.

و شاید هم در آینده سنت بزرگتری

نمایید تمام سیاست شهر سازی را بر اساس ایجاد جاده های جدید قرار داد بلکه مهم اینستکه بدانیم که یاک شهر عبارت از مجموعه واحدی است که مانند یاک یافت از کوچه ها، منازل، خیابانها و جاده ها باید منطبق با وضع شهرها ساخته شود و مدل شهر ها هم همان مدل گذشته باشد.

ساختن خیابانهای جدید و خانه هایی که در اطراف خیابان بنام میشود اولین قدم برای شهر سازی است و این کافی نیست که برای شروع خیابان فقط بدانند که شهر در آینده چگونه خواهد بود این یاک ایده هیجانی است بین یاک ایده تکنولوژی و یاک ایده معماری مسلم است که با تکنولوژی میتوان معماری را بوجود آورد اما این کافی نیست تکنولوژی را باید در دست معمار رام شود تا به معماری فرم بدد.

البته خیلی مشکل است که یاک معمار بوجود آید.

این سومین باری استکه در عرض پنج سال گذشته بهران میآیم و علاقهایکه به معماری ایران دارم خیلی زیاد است. در زمان چنگ مدت ۵ سال بعنوان یاک زندانی جنگی در هندستان محبوس بودم. واژ همانجا تحقیق در مورد معماری اسلامی و خاور میانه را شروع کردم و در این بین علاقمند به معماری ایران و توکیه بیش از همه بود و فکر می پیدا کرد که در اروپا یافت نمیشود.

اصفهان، کاشان، بزد، فاثین، ... شهر هایی از این قبیل هستند که چگونگی زندگی انسانی و نتیجه افکاری را که چیزی مناسب با زندگی مردم و احتیاجات و سیاست و دستگاه حاکم را نشان میدهند و با وجود ایجاد خانه های جدید که بطرز بسیار نامناسب احداث میشوند هنوز دست نخورده و بکر باقی مانده اند. من تصویر میکنم که در ایران

# دهکده های زیر آفتاب

نوشته: مایرون گلدفیگر

آیتالیا - خانه های سُنگی کندوئی شکل در دهکده آلبوريلو.

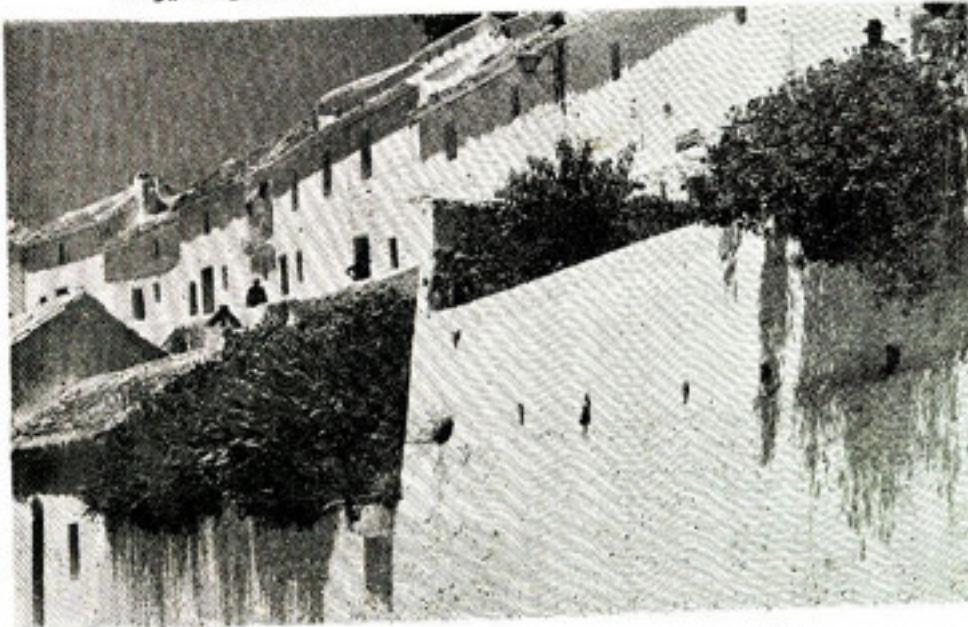
ترجمه: مریم علی بور





عکس هوایی از جنوب اسپانیا

دھکنگاهی در یونان



میراث معماری

هنرمندیکه هایرون کلد فینکر کتاب دھکنگاهی زیر افتاب را بر شنید بحریر در میباورد مدت ۲۰ سال دھکنگاهی مدیر ادامی را مورد مطالعه غزار داد و علیشهای جمالی از این نواحی تهیه نزد بود در این کتاب نند فینکر ۲۵ دھکنگاه از یونان ، اسپانیا ، ایتالیا ، فرانس ، مراش و بوسن را بما معرفی میکند .

سازمان هنر های امریکا در شهر نیویورک نمایشگاهی از عکس های کرفته شده توسعه ناد فینکر ترتیب داد .

سالها پس در اثر احتیاج سعی داشته است مأوى و مسكن خود را به مردم محکم و استوار و در عین حال ساده و زیبا فراهم سازد . اما با وجود تفاوت های زیادی ده در مورد احتیاجات خانه سازی وجود دارد هر فانید مساله داشتن مسکن مورد نظر باشد پذیره باشد رابطه خود را با افتاب ، باد ، باران ، زمین و همچنین خواسته های ما از جامعه و پدست اوردن اصول و روش هایی ده پس سالها خود را در پناه آن بخوبی حفظ کند نیز مورد نظر قرار گیرد .

در میان تحقیقاتی که در مورد معماری کذنه بعمل امده در میباشد که عوامل اصلی پیشرفت معماری بهتر ساختن نشانه ها و ساختمان های شهری است .

امروزه با دو مساله بزرگ روی روی شویم که اول مساله فقدان اصول و مقررات و همسنگی لازم و کافی در مورد مسائل و ترکیب های جدا شده است و دوم اینکه با وجود توسعه ساختمانهای مسکونی پیشمار که بدون درنظر گرفتن عوامل اساسی برای بالابدن سطح زندگی ساخته شده اند بطور کامل اجراء و عوامل ضروری در آنها مورد توجه قرار نگرفته است . این در موقعیت ، روابط دوستانه و نزدیک را از بین برد ، بر روی مقررات اجتماعی ساکنان مجاور اثر گذاشته است و چیزی برای مدحت و سیستم تربیت جدید باقی نگذارده است .

در تحقیقاتمان در مورد توسعه شهر اطراف و موقعیت های خود ، دھکنگاه ها و شهر های کوچک سواحل مدیترانه را مورد بررسی و جستجو قرار میدهیم ، این دھکنگاه ها و شهر ها از نظر وسعت و موقعیت با دھکنگاه های حومه شهر های ما دارای شایسته هستند . پایه و اساس دھکنگاه های مدیترانه ای از نظر ساختمان و همچنین امور اقتصادی آنها شباهتی کامل با ساختمان جامعه های شهری دارد .

در صورتیکه بتوان موقعیت و شکل این جوامع را که توسعه سازندگان باستانی دھکنگاه

های مدیرانه ای ساخته شده و با اکاهی کامل، با روابط و احتیاجات اجتماعی مردم امروز مرتبط ساخت پیماری از مسائل را ده با ان مواجه هستم حل میشود. از آنجا که خواسته ها و احتیاجات مردم رو باقرایش است سیشم ساختهای وسازند فی با سرعت رو به پیشرفت و توسعه میباشد، میتوان به اصل و جوهر دهکده های مدیرانه ای به از طریق تغییر های رهاتیک و غیره بلکه از طریق بست آوردن میزان توسعه اشکال بدون در نظر گرفتن تکنولوژی پیشرفته و احتیاجات روحانی و جسمانی بشری پر گردید.

**تونس**

درین دهکده های تونس کوچکترین ارتباط و هشکلی ویژمای وجود ندارد، در شمال که آب و هوا معتدل است دهکده ها بشك خانه های آتریومی است که جالب ترین آنها دهکده «بربر» از ناحیه «تادرونا» میباشد که بر زمین جلگه منطقی قرار دارد، خانه های مسکونی آن گنبدی شکل با بامهای سفید و دیوار های طبیعی و همچنین حیاط هائی است که برای جلوگیری از باد های شدید ساخته شده، در جنوب که آب و هوا با شمال اختلاف بسیار دارد و هوا بعلت وضع جغرافیائی گرم و خنث است، بعضی از دهکده ها در نواحی بیابانی خانه ها بر دیف و پتریس قرار گرفته اند که امتداد خطوط موافقی در جهت باد های شدید میباشد، محلی که سنگ پیشتر در دسترس است خانه های محکم سنگی گنبدی شکل با انبار وجود دارد

که بعضی از خانه ها ۶ تا ۷ طبقه و بیار محلم است، این محل (غروقا) نامیده میشود، بسیاری از دهکده ها واقع در پرتگاه های صخره ای در محل (سامانا) قرار گرفته ند سا نشان، زمین فرم را کاملاً بصورت صخره های یزرك کنده و در آنها زندگی نامالغار نشینی محتوی را دارند.

گرس شهر «بونیاسیو» در «گرس» بر روی صخره ای عمودی قرار گرفته و ساختهای های متعدد آن که پیشتر ۴ تا ۵ طبقه است در دنار یکدیگر سر با آسمان کشیده اند و از لحاظ فرم و شکل با ساختهای شهر های نفاوت زیادی ندارند.

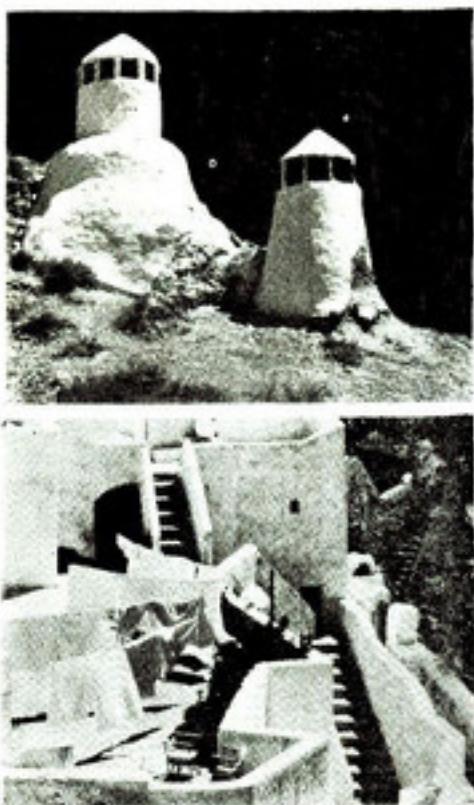
این صخره در پائین دارای صخره های عماق و در بالا بصورت طبقه های تیز افقی درین صخره های دیگر و ساختهایی عمودی شکل میباشد تضاد این سه عنصر سبب بوجود آمدن یک هم آهنگی کلی است ولی نمیتوان یاده و اساس ایجاد ساختهای را تووجه کرد.

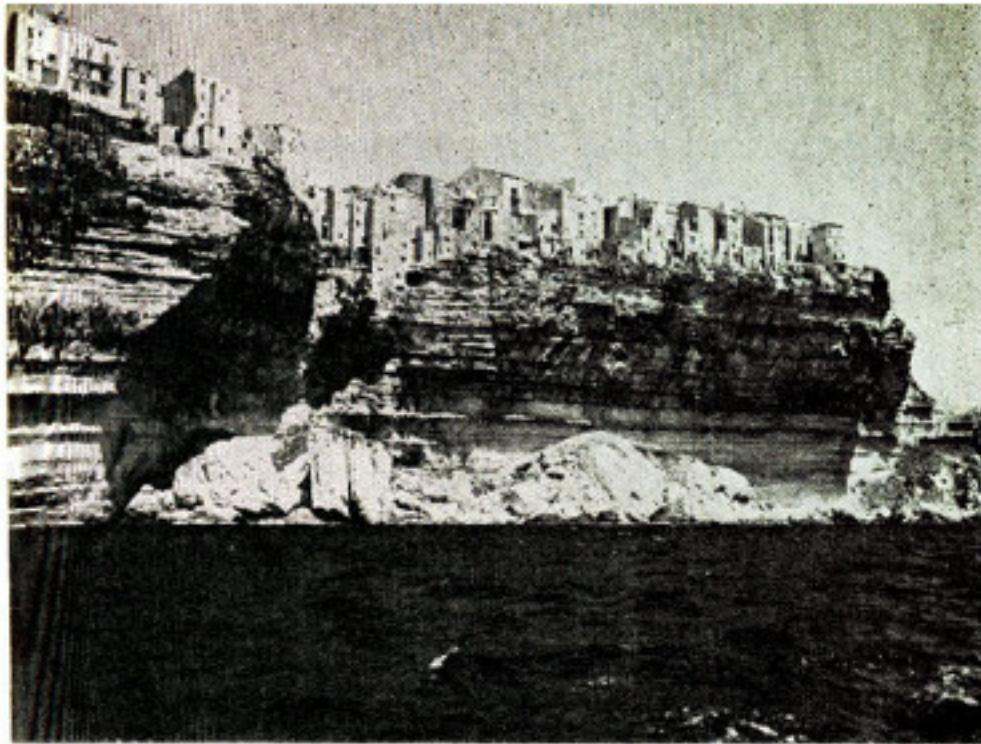
آسیانیا

اجتماعات اندولس در جنوب آسیانیا بصورت واحدی در آمداند که دارای آب و هوای معمولی هستند و عوامل معرفت الارضی در شکل و اساس و تکنیک ساختهای آن اثر گذاشته است، شرائط مختلف محلی سبب شده است که شکل دهکده ها با یکدیگر نیز با یکدیگر فرق داشته باشند، خانه های

نورگیر و راه پلهای در عراقش

### کاپری ساحل طلائی ایتالیا





### دهکده‌ای در کرس که بروی صخرهٔ عظیمی در ساحل مدیترانهٔ بنا شده است

سنگی همراه با درختان زیتون و بادام پیش میخورد که ناحیه‌ای با اساس و ساختمانهای تمام سنگی را بنام «ترولی» بوجود آورده است. اشکال مخروطی خانه‌های آن روزگار پیشین سنگی را بخاطر می‌آورد. این ساختمان‌ها که در دورنمای زیبائی بصورت گلبدهای جدا از هم قرار دارند در تشكیل یک دهکده کامل و واقعی را میدهند.

هزاران خانه رعیتی که از ۳۰ تا ۲۰ واحد تشكیل می‌شوند با درختهای بادام و زیتون در این ناحیه قرار دارند. در خانه‌های وسیع «ترولی» ناحیه‌به ناحیه پیشافت های قابل توجهی همراه با تغییراتی در اندازه سقفهای گنبدی شکل خانه‌ها و دگر گونه در تراش تورفتگی های دیوارهای مسطوح دیده شود حیاطهای کوچک بین خانه‌های مسکونی فضای نسبتاً وسیعی را بوجود می‌آورند و پسکان در کنار دیوارها قرار دارد.

دهکده‌های ساحلی قریبیک تاپل توپا ماهیگیران بوجود آمده است و خانه‌های آنها در یک سرشیبی که بطرف رودخانه می‌رود ساخته شده است. در کنار ساحل ساختمانهای ۴ تا ۵ طبقه وجود دارد که این امکان را به ماهیگیران میدهد تا شرایط و موقعیت دریارامشده کنند. پندر «کاری سلا» یک دهکده کوچک ماهیگیری در ناحیه آتش فنانی «پروسیدا» است که در سرشیبی تندی قرار دارد. خانه‌های این ناحیه توسط اسکله سنگی طویلی که برای جاوه‌گیری از طوفانهای دریا ساخته شده است محافظت می‌شود. این اسکله هم برای ماهیگیران مفید است و هم گردشگاهی است برای تمام اهالی دهکده.

را از یکدیگر جدا می‌سازد، کلیای بزرگ هم درست شده که برای محوطه آن از حیاط های بزرگ خانه استفاده شده است.

برآکش میتوان گفت که اساس معمماری مدیترانه‌ای در اروپا از خانه‌های رعیتی

مکعب شکل و دهکده هایی که در محوطهای وسیع در جنوب و مرکز مرکز اکش قرار دارند شکل گرفته است. در این ناحیه آب و هوا و وضع جغرافیائی سبب بوجود آمدن اختلاف در شکل ساختمانهای دهکده شده است.

در غرب دهکده «دادس» در جنوب مرکز واحد های «تریپیر» قرار دارد. این خانه‌ها که رنگ قرمز زمینهای مسطوح، روی دیوار آنها منعکس می‌شود در میان جنگلهای از نخل و مزارع سر سبز و حاصل خیز احاطه شده‌اند، ساختمانهای آن دارای اشکال هندسی متقطع و فرم‌های هندسی زیبا و از هر جهت غنی می‌باشند.

گرچه شکل و ظاهر ساختمانهای این دهکده ممکن است با یک پارک یا چمن کنار دیوار خانه‌ها در شهر های «مورن» مقایسه شود اما باید گفت که میان این و آن فرق بسیار زیاد وجود دارد و همانگی فیزیو-لوژیکی این محل بر اثر دلپذیرتر و رضایت پخش نر است، ناحیه مذکور ناحیه ایست حاصل خیز که برای ساکنش همیشه پر برگ و آباد بوده است.

ایتالیا

معماری مدیترانه‌ای ایتالیائی دارای روحی زنده و سرشار از تنوع است در دره های «ایولیا» دورنمایی از یکنوع معماری

دهکده هر روز عی «می‌جاس» بطور موازی برروی تپه‌ای با سرشیبی تند قرار دارد. خانه‌های مسکونی مطلع بوسیله یک خیابان با اسفلت ابتدائی و پاسرشیبی تند بهم هر قطب می‌گردند که بطریق یاک میدان بزرگ سراسر می‌شود، یعنی دهکده غار نشین «کوادیکس» نزدیکی «گرافادا» که دارای زمین حاصل خیز است و تپه‌های «تفا» که در این منطقه قرار دارد در اثر باد کم کم از میان رفته مبدل به تپه‌های کوچک مخروطی با اشکال گوناگون شده است، در این ناحیه قبیله کولیها قسمی از زمین را خرکرده و بصورت زیر زمینهای برای زندگی حدود ۱۰۰۰۰ نفر در آورده‌اند، نکه قابل ملاحظه در این ناحیه اینست که اسکان بطور استادانه راهی را برای رفع احتیاجات به بیرون گشوده‌اند، دود کشها که تاک تاک و گبیدی شکل هستند باعث می‌شوند که روشنانی به داخل نفوذ کرده و همچنین از نظر تهویه نیز کمک به مطبوع شدن هوای داخل خانه می‌کنند.

دهکده «کوادیکس» نشان دهنده چیزی میان هنر و طبیعت بود و نشان میدهد که سازندگان آن سنتگرهای ماهری بوده‌اند. یونان

معماری نواحی «آگا» یونان دارای یکنوع صفا و آرامش کلاسیک و همچنین نظم و فرمی است که آنرا در مقامی والا قرار میدهد.

گرچه از نظر معماری، ساختمانهای ناحیه با یکدیگر تفاوت دارد اما با نقاط دلیلزیر و دور نهادهای زیبا احاطه شده‌اند و این خانه‌ای مسکونی سفید و درختان و زمینهای سنگی سیادارای همراهگی دلپذیری است که زیبائی طبیعت را بخوبی نمایان می‌سازد.

سازندگان این ناحیه آنجارا با رنگهای زنده و زیبا جالب تر ساخته‌اند، ساختمانهای این ناحیه دارای حالت یکنواخت و بیوست است.

ناحیه «سکیروس» در «سیارادس» نمونه بارزی از معماری ساختمانهای مکعبی است، هنگامیکه این ساختمانهای از ارتفاع زیاد متأهده شود خانه‌ها بصورت مریع های منظم و جدا از هم دیده می‌شوند که در عین حال دارای حدود معین و بیوستگی کاملی است.

بیشتر خانه‌هایی که دو طبقه هستند در ناحیه تپه‌ای ساخته شده‌اند و دسترسی را بسطح بالاتر از سطح معمولی مهیا می‌سازد، خانه‌ها که معمولاً در یک ردیف منظم قرار دارند دارای حیاط یا محوطه‌ای هستند که پشت ساختمان قرار دارد و همچنین حیاط های کوچکی بین ساختمانها وجود دارد آنها

## ملات یا ملاط

ویراسته: محمد کریم پیرنیا

دسته تقسیم کردند که از جمله آنها زبانهای اربائی و سامی بود که بنظر ایشان کوچترین پیوندی میان این دو دسته وجود نداشت. با پیدایش این نظر کلیه دسته‌بندی‌های درست و تادرست جهان لهن که فرنها مورد بیول بود مهر افسانه خورد و چنان تغطیه شد که دیگری کسی جرات نداشت هشلا درباره پیوند فارسی اربائی یا عربی یا عبری سامی چیزی بشکوید حتی درباره ان اندیشه گند. در صورتیکه پیش از آن ایرانی می‌گفت که: فریدون سه پسر داشت. ایرج وسلم و تور. ایرج نیای ایرانیان بود تور از آن شرقیان و سلم غربیان. این سه دسته از یک پدر (کیومرث) بودند و نخست پیاک زبان سخن می‌گفتند کم کم از همه جدا شدند و هرچه این جدائی پیشتر میشد بهمان نسبت زبانشان نیز از هم دور می‌شد.

مردمی که در باخته ایران زمین می‌زیستند براین سه پسر نامهای دیگر چون سام و سام یا «مت» نهاده بودند و نام پدر هم بجای فریدون نوح بود ولی باز هم معتقد بودند که پدر رومیان و عربانیان و غربیان و ایرانیان، سام بوده است و ناچار می‌پذیرفتند که روزگاری زبان هر دسته‌ای برای دسته دیگر ناشنا نبوده است چه اینها را افانه پذاییم و چه ندانیم یا غور و برسی پاسما니 آشکار می‌شوود که هشلا میان یک زبان اربائی مانند فارسی و زبانی سامی چون عربی پیوند و خوشاوندی استواری بوده و هست متنهای فرمولها و اصول جبر معمول جرات غور در این مسئلۀ از جوینده گرفتند.

هر چند این نوشته قرار بود درباره واژه ملاط بحث گند ولی کم کم حاشیه بر متن فروتنی گرفت تاریخا از اصل موضوع خارج شد. پدینست در اینجا بهترخی از این پیوندها اشاره شود.

می‌گویند پسوند و پیشوند در زبانهای سامی نیست و این گروه از یاها و اوزان خاصی بجای پسوند و پیشوند استفاده می‌کنند در صورتیکه اگر کلیه کلمات عربی را که با حرف (ن) شروع می‌شود گردآوریم و حرف اول آنرا (که بنظر نگارنده پیشوند است) برداریم ریشه فارسی یا سیار شبیه به فارسی می‌دهد و تا حدی این وضع کلی است که بجرات میتوان گفت استثنای نادر مثلا:

پذیرفتن بی‌جون چرای نظرهای سطحی در خاور زمین تازکی ندارد اگر امروز چشم بدهن - پژوهشکران باخته دوخته‌ای روز داری هم وجه تسمیه‌های افانه‌آمیز و گاهی سیار بیرون و بی‌نمک بایخ نوبیان و جهان کردا ن رای اسکه اندکی درباره آن پیشاندیشیم می‌پذیرفتیم.

توصیه کتاب ممالک و ممالک یا عجایب و غرایب بنام هر شهری میرسید بی‌درنگ اثرا پیکی از فرزندان یافوادگان نوع نسبت میداد: همدان را همدان بن اقوش بن سام بن نوح ساخت... کرمان را کرمان بن متولیج بن عدنین عدد کرد و با یاوه‌های نظیر این! اگر تعجب و نظر خاص هم بیاوه سرانی چاشنی میزد (که اغلب هم چنین میشد) زرتشت سیستامه دشمن جادوگری شاگرد عزیز میشد و کتاب وی را می‌ذدید! و بجادوگری می‌برداخت و پیش میشد! کوش بذاشت تباری اسرائیلی مفتخر می‌گردید و بخت النصر بنام بخت‌نارسی بفرزندی و سیستاب (۱) درمی‌آمد. امروز هم گاهی رساله‌ها و مقاله‌های عجیب غریبی بعنوان تحقیق منتشر می‌شود که یاک محقق یا جهانگرد خارجی هنلا موسیقی هارا برسی می‌کند و در آن دو نوع می‌باید یکی بنام نقاره‌خانه (که موسیقی نظامی است) و دیگری بنام آواز که آرتیستهای در روز های آخر سال باریش و سیل و گیسوی مصنوعی ورب‌دون‌امر سفید بلند و کلاده بومی پارچه‌ای (که روی آن اسم نوشته شده) در بازارها می‌خوانند (مقصود درویشان است که تا چندی پیش روزهای پنجده مدادی می‌گردند!) و یا طربال یا گیافره (فرم کیانی)، اردشیر پاپکان در شهر گور پایتخت وی تراپیلوں (۲) می‌شود و واپیان بصورت آتشکده و آتشکده بصورت کاخ اردشیر درمی‌آید!

در دوره استعمار شبه قاره هند غربیان دریافتند که در زبان مردم بومی واژه‌های یافت می‌شود که بزبان خودشان بسیار شبیه است و با جستجوی بیشتر دریافتند که مردم زیرست با اربابان خودگزار لحاظ‌زیان پیوندی دارند (البته هنوز زود بود که بومیان را وارد کرده است تا یکیار دیگر دستورهای خوبی‌هایی داشتند) از آنروز دسته‌بندی تازه‌ای آغاز شد و زبان جهان را بجند

چند سالی است که در نوشه‌های کتاب‌های مربوط به معماری و ساختمان و پژوهه بر دفترهای فهرست بیان ملاط را گاهی با (ط) و گاهی با (ت) مینویسد. آنها که به (ت) مینویسد معتقدند که چون این واژه فارسی است نیاید (ط) که بگمان اکثر مردم حرفی عربی است نوشته شود، در صورتیکه اغلب واژه‌های معرف و کلمه‌های فارسی تازیگونه مخصوصاً با (ط) نوشته می‌شود مانند: بربط - ساپاط - طراز (کارگاه) و مانند آن و حتی واژه‌های چون طبره - طبره - طبرستان - طاق و پیاری دیگر هم که فارسی سره است برای اینکه با واژه‌های مانند اشتباه نشود به طوره می‌شود و با این ترتیب پندر می‌آید که (ط) واژه‌ای را عربی نمی‌کند و (ت) هم برای اینکه واژه‌ای را فارسی کند کافی نیست. و بحث مامن در این نوشته درباره املاء کلمه ملاط نیست بلکه میخواهم در مورد این اصطلاح معماری و نظایر آن اندکی پژوهش کنیم و یا دست کم پیش از را پیش آورم که صاحبین از نوشه‌های روزگاری خارجی هنلا موسیقی هارا برسی جهانگرد خارجی هنلا موسیقی هارا برسی تا هویت اصطلاحات فنی و هنری (وحتی علمی وادی) مشترک در زبانهای فارسی و تازی را جستجو کنم.

تا چند سال پیش دانشمندان ما، (و هایگان ما) حوصله آثرا نداشتند اندکی کلکاکاوی وی و چوئی مطالبی را که اغلب پندرشان کوچک و هنر ایران را برانگیزد تا هویت اصطلاحات فنی و هنری (وحتی علمی وادی) مشترک در زبانهای فارسی و تازی را جستجو کنند. در چند ماه پیش دانشمندان ما، تا پاکچکاکاوی وی و چوئی مطالبی را که اغلب پندرشان کوچک و هنر ایران را برانگیزد تا هویت اصطلاحات فنی و هنری (وحتی علمی وادی) مشترک در زبانهای فارسی و تازی را جستجو کنند. (و هایگان ما) حوصله آثرا نداشتند اندکی کلکاکاوی وی و چوئی مطالبی را که اغلب پندرشان کوچک و هنر ایران را برانگیزد تا هویت اصطلاحات فنی و هنری (وحتی علمی وادی) مشترک در زبانهای فارسی و تازی را جستجو کنند. در چند ماه پیش دانشمندان پاکچکاکاوی وی و چوئی مطالبی را که اغلب پندرشان کوچک و هنر ایران را برانگیزد تا هویت اصطلاحات فنی و هنری (وحتی علمی وادی) مشترک در زبانهای فارسی و تازی را جستجو کنند. (و هایگان ما) حوصله آثرا نداشتند اندکی کلکاکاوی وی و چوئی مطالبی را که اغلب پندرشان کوچک و هنر ایران را برانگیزد تا هویت اصطلاحات فنی و هنری (وحتی علمی وادی) مشترک در زبانهای فارسی و تازی را جستجو کنند. (و هایگان ما) حوصله آثرا نداشتند اندکی کلکاکاوی وی و چوئی مطالبی را که اغلب پندرشان کوچک و هنر ایران را برانگیزد تا هویت اصطلاحات فنی و هنری (وحتی علمی وادی) مشترک در زبانهای فارسی و تازی را جستجو کنند.

ذنب نم = قب و قب برایر کاو فارسی است  
 نظر ن = قر و قر برایر کرو خار و خل فارسی  
 تهیج ن = هج و هج همان هج یا هیچ فارسی است.  
 نقل ن = قل و قل همان کرو کرای فارسی است که هنلا در کاروان و کراو کریت دیده میشود.  
 نامن ن = وکس (ورشکت)  
 نشاط ن = ن و شاد بهمچنین و چون پیشوندی بر سر ریشه های دو حرفی مشترک هیان فارسی و عربی در آمده و واژه ای عربی ساخته است.  
 وعظ واژ وضع = وقار = وزار گذاشت و گزاردن هر دو

و جد و = گدوشاد کاهی دو کلمه فارسی و عربی که از یک ریشه گرفته شده چنان تغییر شکل و تلفظ یافته که شناخت آن بسادگی میسر نیست هائند حسل - ابره - ابر و حتی وحی - ونگ (بانگ) لون - زنگ - لوث - لود (درآلود و پالود) ورشت - یاس - بیش - راسیه - راستی - لاشه (سنگ) Roche طبع - تایپوتیه -

بنیوع - هبیوه (ابوه) و اندزاد - زود (در افروود) غش در آغشته - غل در دغل در - در کاست و بسیاری دیگر.

گذشته از اینها و منع یاها و وزنهای عربی و بخصوص حرفهای اول آنها همان کاری را میکند که در زبان فارسی بهدهد پیشوند گذاشته شده.

افعال پیشوند «آ» در فارسی (چون آکنند، امریزیدن - آمیختن و غیره) افعال - پیشوند «ن» در فارسی (چون نمودن - نهادن - نشانند ...)

استفعال - پیشوند از وش وس در فارسی (چون آزمایش - شناختن ...) هم ریشکی در فارسی و عربی (حتی عبری) بقدرتی زیاد است که توضیح آن نیاز بجدد کتاب قطور دارد و امیدوارم کسانیه در این رشته کار میکنند با تحقیقات خود حد آنرا تا آنجا یابند که روزی بتوان گفت تقریبا در این مورد استند وجود ندارد و یا اگر داشته باشد چنان نادر است که میتوان آنرا چون معدوم داشت باز میگردیم بدبحث اصلی معنی کلمه ملاط.

در اغلب فرهنگیها و کتابهای علمی چون بنام کیومرث میرسند آنرا چیزی هائند (حی ناطق هست) یازنده گویای میرزا میدانند و این تغییر دست به دست گشته و از کتابی به کتاب دیگر منتقل شده و حالت مسلم بخود گرفته است.

منتها یک کتاب (تا آنجا که نگارنده

میداند) یعنی فرهنگ رشیدی در قسمت معرفات کیومرث را پنحوی دیگر معنی کرده دور دوم آنرا با مرگ و میراثی بی ارتباط دور دوم آنرا با مرگ و میراثی بی ارتباط میدانند و داشتمد گرامی آفای عباس هم که ویراینده آن فرهنگ بوده اند پیزند گان را با متن موضوع توجه داده، آنرا شایسته بررسی داشتند.

با همایه واژه هرث (و یا توجه باشکه همه جا یا (ث) نوشته میشد مگر در کتابهای تازه) و با واژه ها نظری همین بمنظیر می آید که واژه معنای گل و خاک باشد هائند مهر - مر داستگ (یا مر دستگ) - ماج عربی - مر تبان (پستو کوزه گلی و تاپو) ملاس - مهر گیا (که تا حدی میتوان آنرا موجود نخستین دانشن و شگفت است که درست این واژه هتلوب کیومرث است) - مهری و مهریانه (آدم خاکی و حوا بنظر ایرانیان) - همه جا و مهلهانه وبالآخره مردم یا موجودات خاکی : و بالاین ترقیب کیومرث را میتوان موجود خاکی (هائند آدم) داشت و تازه اگر مرث با مردن هم ارتباطی داشته باشد باید توجه داشت که مرده نیزی، یعنی خاک شده (ریشه اصلی برای مرگ و زندگی اوش و افعش است).

در زبان مردم و گاهی نیز در آثار ادب فارسی واژه هایی چون ملتگ و مل و چیز های شبیه به آن بگوش میخورد که معنای وارتفگی (هائند گل) گرفته شده هائند ملتگ (مت و بیحال) ملتگ (اصطلاح بنای دیوار یا ستونی لرزنده و نا استوار) مل (با تفتح) زنگ گل (چشم مل) و بالآخره آهل و آمورد نیز به سر زمین های اطلاق میشده که نام اطراف آن از گل گرفته شده (گیلان - طالش با گالش - دیلام) و ملاردنیز نام زمینهای گلکن است. چون نام دیگر یا لقب کیومرث یعنی گشارة تجزیه کنم باز بهمین ترتیبه میرسیم که از دو واژه گل و شا (معنای حیات وجود) گرفته شده و عینا همان موجود خاکی میشود و آنگاه در می باییم که چرا ایرانیها معتقد بودند از مهر گیای مردم گیا - کیومرث یا مرد نخستین پدید آمد و چرا مهری و مهریانه بجای آدم حوا گرفته شده اند و بخیست بداینیم که واژه طبع (۱) عربی هم که به معنای مهر کردن بوده (واکون بجای چاپ بکار میرود) باز معنای گل است هائند (مهر) و نظری آن در فارسی تاپو (خم گلین) و تهد میباشد.

ملاط یا ملان هم که در فرانسه Mertere و در انگلیس Mottar و در آلمانی Mottel گفته میشود باز معنای گل و نظری جز دوم کیومرث است و بنظر می آید که بتازگی در زبان عرب مرسوم شده

چون در کتب المجد چاپ قدیم در ذیل ریشه م ل ط کلمه ملاط نیست و فقط کلمه ملیطه (حوضی که با گل آهک اندود شده) آمده است ولی در چاپ های جدیدی این فرهنگ قبل از همه بصورت ملاط و معنای رایج در فارسی درج شده است و باسانی میتوان پذیرفت که در هر صورت این واژه هم مانند کاله اصطلاحات معماری و بنائی از فارسی بتازگی در آمده است و این و انتقال هم بتازگی انجام نشده (چون برخی متون کهن عربی که مولف آنها ایرانی بود دیده شده است) واپس نظر فرهنگ یعنوان یاک و ازه عربی در نصاب اصیان آورده است و برایر فارسی آنرا آزند - داشته کمدر زبان کنونی (در هیچیک از نقاط ایران) رایج نیست ... ولی باید توجه داشت که سراینده نصاب اصیان بسیاری از واژه های با اصل فارسی و حتی کلمات عرب را عربی داشته و چون پیشتر فرهنگ های فارسی حاوی لغات و اصطلاحات رایج شمال شرقی ایران بوده است کاییک در این رشته کار کرده اند از واژه های فارسی (گویش مردم فارسی) و خوری و کرمانی و گویش های مردم مرکز ایران که پیشتر با واژه های قازی هم ریشه است آگاه نبود آنرا عربی تصور کردند. واما املاء کلمه با (ط) یا (ت) . اگر در واقع خواسته باشیم پیشوند فرهنگ امروز دیروز خودرا حفظ کنیم و بخصوص خط کنونی را (که میتوان ثابت کرد هائند کلیه خطوطی که بعری معروف است از خط اوستانی گرفته شده) تا آنجا که ممکن است امیل بکار ببریم بعاقیده نگارنده باید بجای ت از ط استفاده کنیم چون شکل اوستانی این حرف (م) است و این حن دیگری هم دارد که با (ب و ث و تو گاهی با و ن) هم اشتباه نمیشود بخاطر دارم که سال گذشته کوشش شده بود تا برای سهولت نگارش ط را که در املاء محدودی از کلمات فارسی بکار ببریم و از خط خارج کنندولی تا جنین شده بهتر است این کلمه (مشترک میان دو زبان) را هائند ساقی با ط بنویسیم توضیح : در این مقاله که در زمینه معماري نوشتہ شده فرست این نبود تا پیشوند و سیع فارسی و تازی مشروحا توضیح شود ولی در نظر است با همکاری واستفاده از داشت یکی از داشتمدان (کهمطالعات و سیعی در زبان شناسی دارند) در این باره مفصل بحث شود. فایده اینکار دست کم اینستکه بحث تازه و حرف قازمه ای را پیش میکند و اظهار نظر های مخالف و موافق تاحد زیادی به روشن شدن موضوع کمک میکند شاید باین ترتیب به بسیاری از بحث و جدل های تعصب آمیز پایان داده شود.

مواد ایزولاسیون

در خدمت زیبائی و استحکام  
ساختمانها و کارخانجات

از محصولات کارخانجات :  
الکوتینگز و آر . پی . ام آمریکا

# FOUR SEASONS

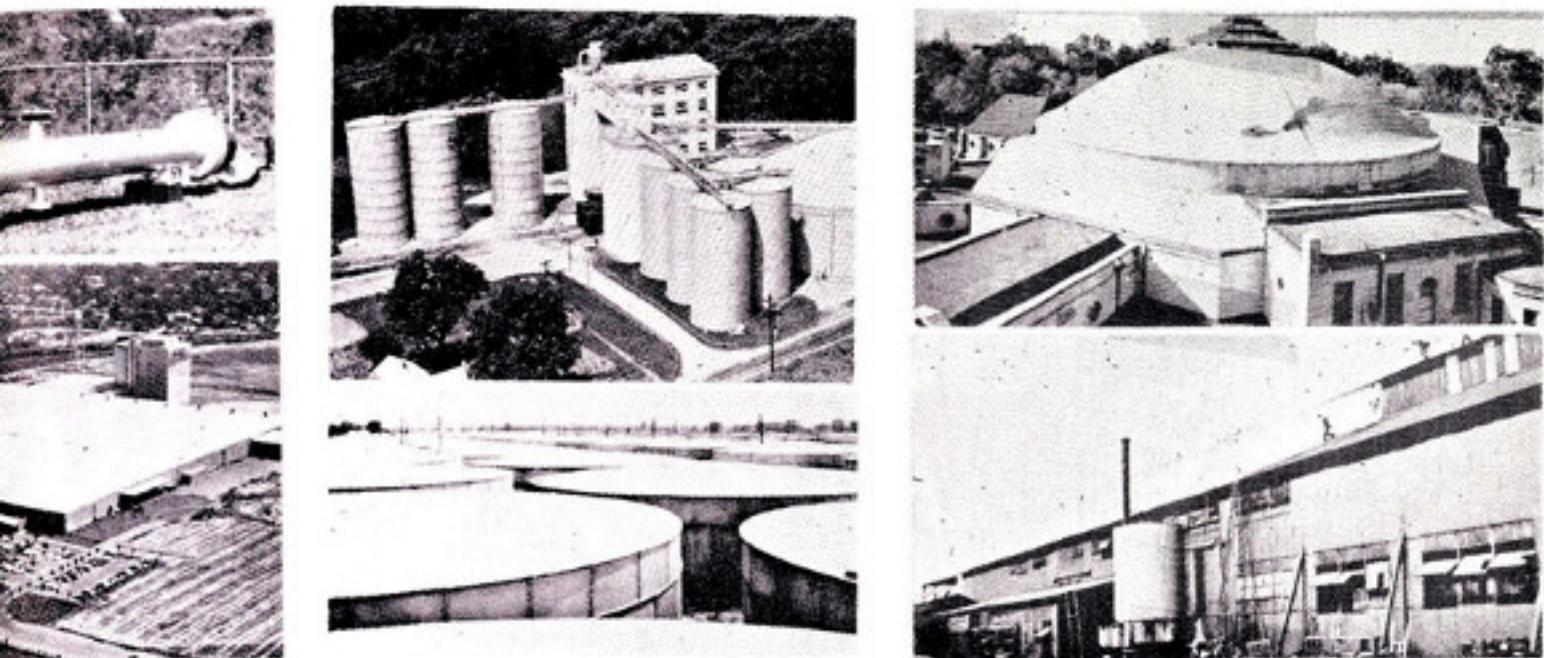


# FOUR SEASONS ALCOATINGS

فورسیزن و ماستیک بلاک بدون احتیاج به پوشش محافظتی بعلت مقاومت فوق العاده در مقابل حرارت  
برودت برای عایق کاری سقفهای شیبدار، منابع و کارخانجات مورد استفاده قرار میگردند.

کارخانجات معظم آلكوتینگ آمریکا  
با پیش از نیم قرن تجریب توانسته‌اند بهترین  
مواد ایزولاسیون و انواع رنگهای ساختمانی  
و محافظتی را تولید نمایند. کارخانجات  
فوق سازندی پیش از یکصد نوع کالای گوناگون  
ساخته‌اند میباشد که گلیه آنها در ایران  
موجود و توسعه ارکت‌سهامی زریبوش نمایند  
انحصاری آن کارخانه در خاور میانه غرضه  
میشود.

در زیر بعضی از مواد ساخت این  
کارخانه بطور مختصر معرفی میشود:



الف - فورسیزن Four Seasons

All-cote mastic Black

این عایق مشخصات نوع فورسیزن را  
داراست با این تفاوت که رنگ آن سیاه است.  
در سطوح افقی میتوان روی آن موzaیک  
فرش کرده و در سطوح شیبدار و عمودی  
میتوان آنرا با رنگ مخصوص ماستیک بلاک  
که در رنگهای مختلف موجود میباشد  
پوشاند.

عایق کاربهای فوق پوشله تیم اجرائی  
شرکت زریبوش انجام میگردد و در تمام  
مراحل مخصوص ورزیده شرکت همواره  
نظرات کامل داشته و پس از پایان کار در  
سورتیکه سطوح مورد عایق افقی پاشد روی  
آن بیندت ۴۸ ساعت آب نگهداری میشود.  
سیستمهای عایقکاری فورسیزن و  
ماستیک بلاک بیندت ۱۰ سال از طرف کارخانه  
سازنده تضمین میگردد.

آرایش صفحه مقابله این تضمین را  
تایید مینماید.

الف - فورسیزن

این ماده بصورت خمیر آلومینیومی

رنگ عرضه میشود و هنگام استفاده از این  
خمیر احتیاجی به گرم کردن نیست. در  
اجرای عایقکاری این سیستم مواد دیگری نیز  
بکار میبرود که ذیلاً پر ترتیب اجرا مشخص  
میگردد:

۱ - ابتدا کلیه زوایا و درز های  
انبساط با ماده پلاستیک سمنت و توری شبشهای  
۶ اینچی فلاشینگ میگردد.

۲ - پرایمر در تمام سطح زده می-

شود.

۳ - قشر اول فورسیزن در تمام سطح

زده میشود.

۴ - توری شبشهای در تمام سطح نصب

میگردد.

۵ - قشر دوم فورسیزن در تمام سطح

زده میشود.

این عایق بسب رنگ آلومینیومی خود

اشعه آفتاب را بینان قابل توجهی معکس

سالیان گذشته در گلیه نقاط ایران مورد

استفاده قرار گرفته و نتیجه بسیار درخشنان میکند

در زیر سقف میشود.

ب - الکوت ماستیک بلاک

تکنیک مدرن در معماری امر و زامکان  
بکار گرفتن حجم های هندسی مختلف را  
میدهد ولی استفاده از سیستمهای عایق کاری  
قدیم برای پوشش این حجم ها مشکل و  
بعضی مواد غیر ممکن است.  
غالب باهاها گاه جزئی از نمای ساختمان  
را تکلیل میدهند بهمین دلیل تنها مواد  
عایقی میتواند مورد استفاده قرار گیرد که  
میتوان از آن در هر شرایط در هر شیب و  
گردهش و فرمی استفاده نمود و بدون آنکه  
احتیاجی به فرش کردن آن سطح باشد و  
ضمناً در شرایط جوی نظیر جنوب یا شمال  
ایران و نواحی سرد سیر مقاوم باشد و در  
اثر اختلاف شدید حرارتی تغیر حالت ندهد.  
کارخانجات آلكوتینگ آمریکا با  
توجه به تحولاتی که در معماری وجود آمده  
عایقهای معروف فورسیزن و ماستیک بلاک  
را بوجود آورده است و عایقهای فوق طی  
سالیان گذشته در گلیه نقاط ایران مورد  
استفاده قرار گرفته و نتیجه بسیار درخشنان  
میگردد.

در شرایط حاد جوی ترک نمیخورد .  
این رنگ بدت پنج سال از طرف  
کارخانه سازنده تضمین میشود .

۲ - امریکانا اکریلیک لیتکس

American Acrylic Latex

امریکانا در دو فرمول مختلف برای  
رنگ آمیزی نمای داخلی و خارجی ساختمان  
ساخته میشود . از مشخصات برجسته این  
رنگ خاصیت قابل شستشو بودن آن می -  
باشد . امریکانا اکریلیک لیتکس در رنگهای  
مختلف موجود بیانام مشخصات فوق العاده ای  
که دارا میباشد بسیار ارزان به بازار عرضه  
شده است .



## نیروی زمینی شاهنشاهی

ALL COTE MASTICBLACK

آزمایش بر روی الکوت ماستیک بلک

۱- اثر حرارت : عایق منبور را بر روی ورقه ای از فلز قرار دادیم و پس از خشک شدن درون اتovo قرار دادیم این ماده تا حرارت  $160^{\circ}\text{C}$  کاملاً مقاوم بوده و جاری نمیشود در ضمن تا این درجه حرارت چسبندگی ایجاد نمده بسیار جزئی میباشد .

۲- شوك حرارتی : عایق منبور را پس از اینکه چندین بار در حرارت و بروزت

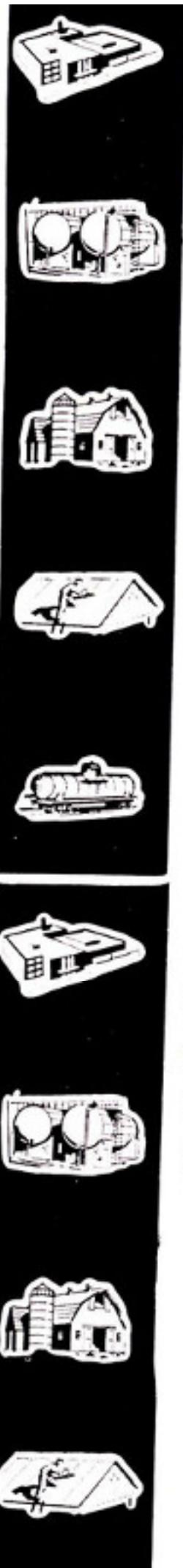
از ۱۰۰ تا ۳۰ فرار دایم تغییر شکل نداده .

## ● رنگهای ساختمانی

۱ - امریکانا نافایبر داکریلیک لیتکس

American Fibred Acrylic Latex

در تهیه این رنگ از فرمول خاصی استفاده شده که آنرا از سایر انواع متابه متمایز کرده است . وجود از بست کافادائی دوام آنرا تضمین مینماید . این رنگ در نما های بتوانی - آجری و حتی گچی موره استفاده قرار میگیرد و در ضمن اینکه سطح خارجی بنارا در برای رطوبت عایق میکند پس از ترکیب خاص به محالح بکار رفته در نما اجزاء تنفس میدهد و بعلاوه سورت قشر فوق العاده سختی در میآید که



بر عکس رنگی مشهده ماقبل :  
لایهان از عایق فورسین و پلی ایمیدر  
رنگ آکریلیک آمریکانا فایبر استفاده شده است که عیناً از این دو ایجاد شده است  
لایهان از عایق فورسین و پلی ایمیدر  
بر ای عایق نمودن و نما و دواره ای  
بر عایق کاری نمودن و دواره ای

## Alcosel

### ۵ - الکوسیل

سطوح اسفلاتی پمپ بتنزینهای و تعمیر گاه ها و آبرن فرودگاهها در اثر ریزش بتنزین و نفت و روغن از بین رفته و باعث خسارات فراوانی میگردد. الکوسیل بر نگ خاکتری سیبر یا یاک پوشش اسفلات را عایق نموده و عمر آن را چندین برابر و خاصیت ضدلغزندگی به سطح مورد استفاده میبخشد.

## Lustron Bakelite Clear

لاستر آن برای محافظت نماهای چوبی مورد استفاده قرار میگیرد. لاستر آن پیر نگ بوده و حداکثر مقاومت را در مقابل اصطکاک و سائیدگی دارد.

بعات وجود ماده بکلامیت در ساختمان کلیر فوق موارد استفاده بیشماری میتوان یافت. از لاستر آن میتوان روی سطوح سیمانی - فلزی - انواع کفهای چوبی - کف سالهای رقص و اسکیتینگ استفاده نمود.



### مواد محافظتی

#### ۱ - درای اسپل ( عایق ترانس پرانت )

Dry Spell Transparent Waterproofer

درای اسپل برای عایق تهدون نماهای آجری و سیمانی و سنگی مورد استفاده قرار میگیرد. درای اسپل بدون آنکه کوچکترین تغییری در نمای ساختمان بددهد آنرا در مقابل رطوبت و یاران عایق مینماید. وجود ۵٪ سیلوکن در ساختمان درای اسپل دوام آنرا تضمین مینماید.

#### ۲ - فلکسیکریت فلور هاردنر

Flexicerete Floor Hardener

فلکسیکریت بهترین محافظ برای کفهای بتنی در بناءها و بخشوص در کارخانجات میباشد. فلکسیکریت بصورت مایع در دو نوبت بوسیله قلم مو یا پیستول روی کفهای بتنی زده شده و باعث میگردد کنهای بتنی در مقابل ترافیک های سنگین و اصطکاک و خربه کاملا مقاوم و سائیده نشود. ضمنا در برای ریزش آب و مواد فتی و شیمیائی عایق میگردد که این خود در نظافت کنها بسیار موثر میباشد.



### Rubberall

رابر آل برای محافظت و عایق نمودن انواع سطوح مورد استفاده قرار میگیرد این رنگ در مقابل کلیه اسیدها و گازها و تا ۱۲۰ درجه سانتیگراد حرارت مقاوم میباشد.

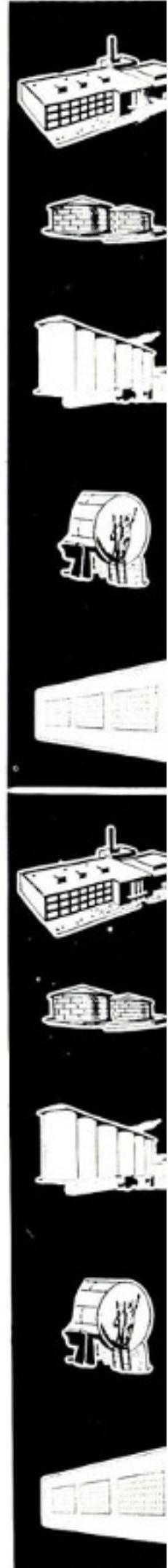
رابر آل در رنگهای آبی و سبز برای رنگ آمیزی و عایق نمودن استخر نیز مورد استفاده قرار میگیرد.

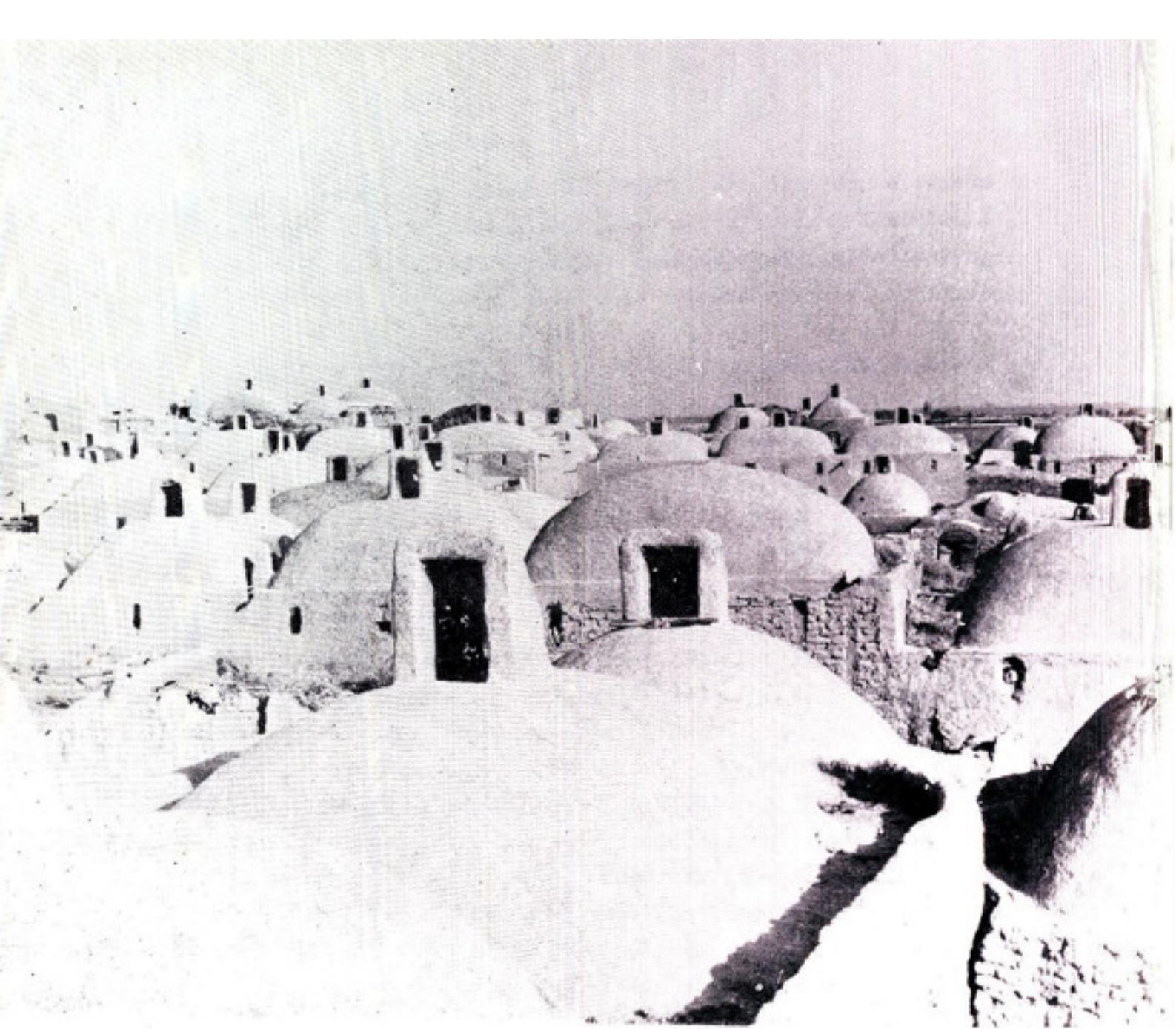
برای کسب اطلاعات بیشتر خواهشمند است با ثانی زیر تماس حاصل نمایید.

شرکت سهامی زریوش.  
خیابان روزولت شماره ۲۳۶ تلفن: ۸۲۷۰۹۱

#### ۴ - سیلوتكس

سیلوتكس یاک پوشش محافظتی غیرسمی بوده و برای عایق نمودن اثبات های سیلو و مخازن آب آشامیدنی مورد استفاده قرار میگیرد. سیلوتكس بصورت قشر سختی از زنگزدگی سطوح فلزی جلوگیری مینماید. سیلوتكس روی سطوح سیمانی و فلزی و همچنین برای فونداسیون ساختمانها مورد استفاده قرار میگیرد.





سیه‌مائی از روستاهای ایران



de connaissance des arts et architecture du passé américain que du passé de l'Iran ; il y a comme une espèce de refus des caractères véritables, mais restent toujours l'art iranien, la vie iranienne et le moyen iranien de concevoir l'art.

Je crois qu'il y a très peu l'intention d'étudier le passé de l'Iran car ce qui survit n'est que la décoration, c'est-à-dire la surface du passé.

Une chose qui frappe : l'unité de l'ensemble et la parfaite adaptation des détails à l'ensemble, tandis que ce qu'on bâtit maintenant, même acceptable du point de vue projet, manque d'unité.

J'ai visité l'Iran il y a 5 ans. Dans ces 5 ans il y a eu un progrès dans la standardisation du bâtiment, mais il n'y a pas cette perfection d'homogénéité, ce sens de l'unité de l'ensemble même si elle est naturelle et de plus on a perdu l'idée de l'espace. Par idée de l'espace, je considère le rapport avec le ciel, les nuages, les montagnes et aussi la succession des espaces construits admirablement comme dans le bazar d'Ispahan où une maison est bâtie après l'autre, sans aucun plan et le tout devient une ligne sinuuse qui joint la Mosquée du Vendredi à la Grande Place et forme une continuité admirable conçue par des hommes qui ont donné une capacité de voir en achetant et de créer en même temps un art visuel.

Il faut bâtir des espaces pour la vie qui soient intéressants, ce que j'appelle le patrimoine, la richesse de toute la ville pour que tout habitant, comme ceux d'Ispahan, ait quelque chose à lui. Même en habitant une pauvre maison démolie et délabrée, les habitants d'Ispahan ont la beauté des mosquées, du bazar et de la Grande Place, Ispahan où chaque habitant se reconnaît dans elle et l'aime plus qu'une autre ville car elle est plus belle et plus adaptée qu'une autre ville.

Et je crois que ceci est très important.

On peut dire qu'il y a des raisons nouvelles, et ces rues-là sont la première phase d'un renouvellement de toute la ville, mais je crois qu'on ne peut pas tracer des rues sans savoir quelle sera la société à venir.

La crise de l'architecture est la crise de la division entre l'idée de l'architecture et l'idée d'une ville qui à présent n'existe plus, et l'idée de la maison ou d'une autre structure architecturale partielle.

On parle ici de technologie ; avec la technologie on peut faire de l'architecture, mais cela est insuffisant, car il faut avoir la capacité de maîtriser la technologie et la mettre au service de l'architecture.

Ce qu'on pratique maintenant est la possibilité de renouvellement des idées ; nous aurons peut-être, dans l'avenir, une tradition morte de l'architecture américaine.

On ne peut pas définir l'amour, la vie ; donc les grandes idées n'ont pas la possibilité d'être définies et contenues dans une définition vocale.

Pour un homme, comme pour un peuple, il y a toujours le passé et l'avenir, il n'y a pas d'homme sans mémoire car autrement il ne serait pratiquement pas possible de penser. Et ce qui distingue l'homme de l'animal, c'est bien la faculté de penser.

La tradition c'est la mémoire intime de chacun de nous, la tradition globale de la mémoire du passé, mémoire voulant dire plutôt esprit de la forme du passé.

Je crois que l'Iran à présent n'a pas une mémoire valable pour le futur du passé, l'Iran a la volonté d'avoir une mémoire et c'est très bien.

Mais j'ai vu que les architectes ont plus de mémoire et

L'interview de M. Fereydoun  
Arastou Zadeh, représentant  
du Magazine « L'Art et l'Architec-  
ture » avec M. Ouaroni  
célèbre architecte italien,  
au premier congrès international  
« architectural » en Iran.



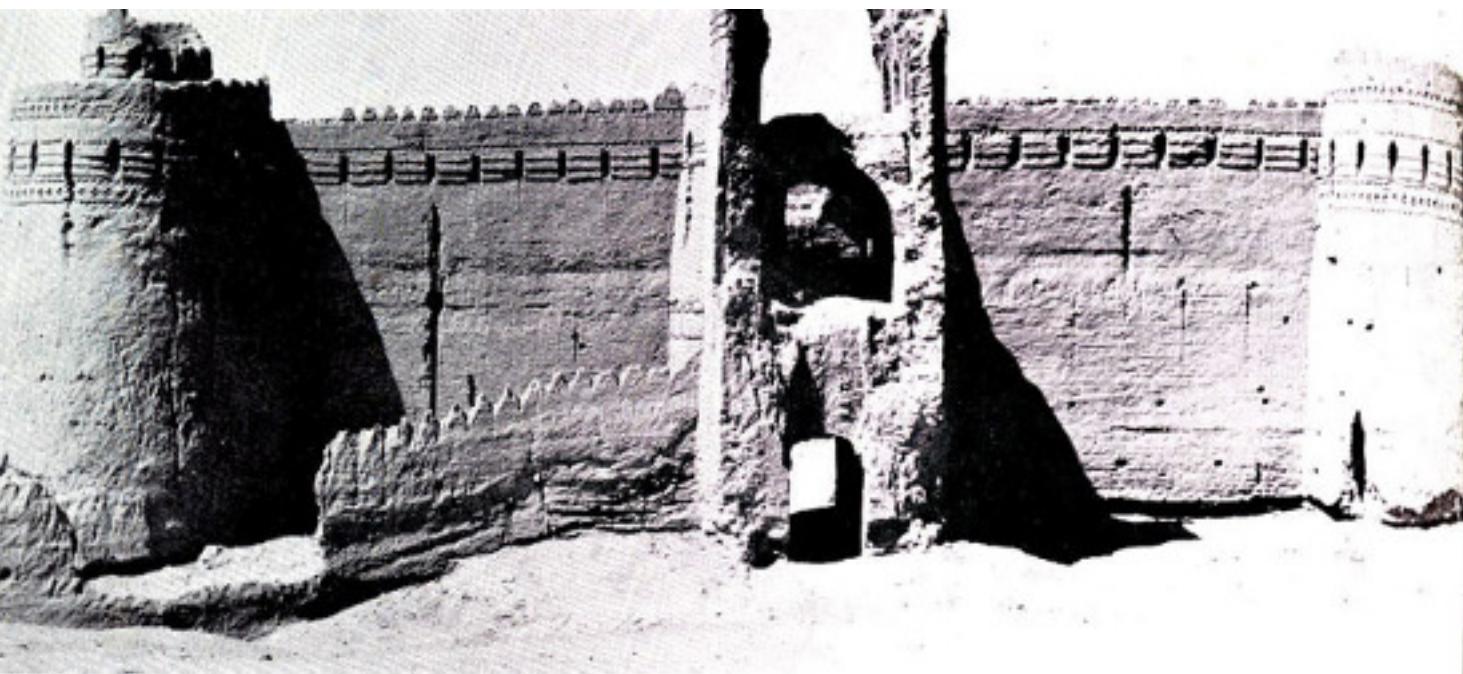
Je suis venu pour la troisième fois en Iran il y a 5 ans car j'étais intéressé par l'architecture iranienne ; j'étais durant la guerre en Inde comme prisonnier de guerre.

J'ai commencé par étudier l'architecture du Moyen Orient, l'architecture musulmane ainsi que l'art oriental. Je suis attiré par cet art, intéressé par l'Iran, l'Inde car je pense que je peux trouver un modèle de ville et nous pouvons, jusqu'à présent, trouver ces villes vivantes et intactes, chose qui n'est plus possible en Europe.

Je pense qu'Ispahan, Kachan, Yazd, Naïne nous montrent comment étaient les villes anciennes du point de vue de la vie des hommes comme de la vie politique, de la décision de construire quelque chose de beau pour le peuple aussi bien que pour les besoins politiques.

Je pense que les villes iraniennes sont intactes malgré les routes qu'on a construites récemment, malgré les bulldozers qui ont brisé des fragments de ces villes, ces bulldozers dépourvus de raison...

Je pense que maintenant il y a des idées de ville, des idées nouvelles, intéressantes, simplement posées là comme idées et rien d'autre et qu'on peut y tracer un réseau routier, créer des files dans lesquelles il faut d'autres compositions. Il faut considérer que la ville est une unité, les rues sont liées au tissu des ruelles et même des maisons. Il ne doit pas être permis de percer des rues, des avenues juste pour faciliter le trafic et détruire ainsi la réalité d'une ville ancienne.



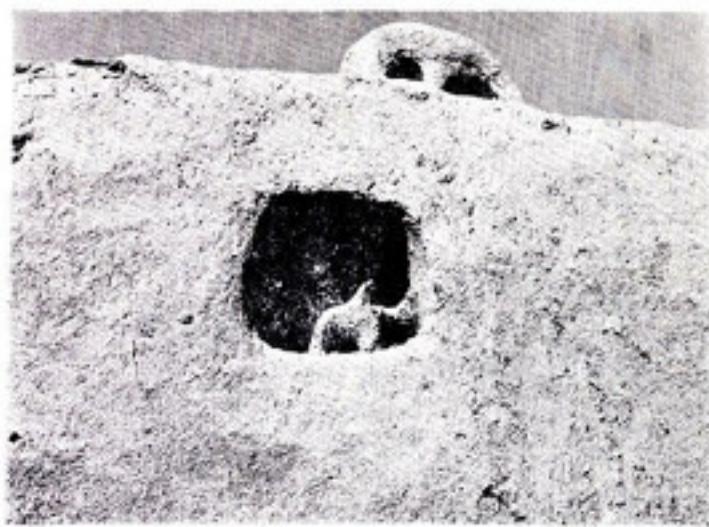
سیماهی از روستاهای ایوان



Jusqu'à présent, pour la majorité des ménages, dont presque 70% vivent en milieu rural, la méthode traditionnelle pour se loger est l'effort personnel. Malgré les matériaux très primitifs, en tenant compte des techniques appliquées, on est amené à dire que les ménages ruraux ont assez bien réussi dans la construction de leurs logements. Mais pour la population urbaine, l'obtention des logements convenables est plus difficile qu'au village, car les coûts de la construction sont élevés, les revenus annuels sont relativement faibles et l'effort personnel ne peut jouer un grand rôle.

La Banque d'Hypothèque et quelques autres banques, ainsi que la Société d'Assurance de l'Iran accordent des prêts à la construction et à l'achat de logement, mais les remboursements mensuels sont tellement élevés qu'il dépassent assez souvent la possibilité financière des familles.

En Iran, des offices ou des sociétés coopératives de construction ont été récemment créés pour assurer des logements aux familles, avec l'aide et sous la direction du Ministère du Développement et du Logement. Ce dernier utilise en plus, directement ou indirectement, une part considérable de ses ressources financières et techniques pour procurer des logements aux familles à faibles revenus, aux employés et aux ouvriers.





Certains travailleurs, surtout ceux qui sont dans les grands établissements publics ou privés reçoivent du gouvernement ou de leurs employeurs soit un logement ou un terrain, soit une aide financière.

D'autres peuvent acheter des petits terrains, se procurer des matériaux à bon marché (et pour la plupart médiocres) existant sur place et enfin construire eux-mêmes leurs logements. Mais la plus grande partie de ces unités de construction est généralement de qualité inférieure. La surface totale moyenne de ces maisons est de l'ordre de 100 mètres carrés, avec 3 ou 4 petites pièces ayant chacune comme surface, approximativement 10 mètres carrés.

Le gouvernement iranien a contribué dans la mesure du possible à améliorer les conditions de l'habitation des classes moyennes et pauvres dans les villes aussi bien que dans les villages, grâce aux séries H.B.M. (habitation à bon marché) dont voici quelques exemples :

<u>Localité :</u>	<u>Nombre de maisons</u>
Narmak, Région de Téhéran .....	1216
Nazi-Abad, Région de Téhéran.....	870
Tchaharsad dastgah, Région de Téhéran.....	400
Farah-Abad, Région de Téhéran.....	590
Kane, Région de Téhéran.....	1.200
Région de Ghazvine.....	1.160
Région de Khouzistan.....	539

Malgré cela, il reste un nombre considérable de ménages qui ne sont pas à même de construire un logement et qui, d'autre part, ne sont pas logés par leurs employeurs et dont les ressources financières ne leur permettent que de se loger dans des taudis surpeuplés et insalubres. Le gouvernement est actuellement en train d'agir, soit en construisant des maisons de bonne qualité, soit en accordant des subventions pour permettre à ces ménages d'acheter ou de construire des logements convenables.